

مردم ایران، بروی دریایی از نفت، از سرمای لورزند

پیش، در تامین سوخت زمستانی و نبودن هیچگونه مشکلی در این زمینه، داد سخن می دادند. غرضی وزیر نفت در نطق دفاعیه اش جهت اخذ رای اعتماد از مجلس شورای اسلامی اعلام داشت: "در سال ۵۶ پالایشگاه آبادان حضور داشته است، روزی ۷۱/۲ میلیون لیتر توزیع می شده است. سال ۶۲ مجموعه بنزین موتور، نفت سفید، نفت گاز، نفت کوره ۱۰۲/۸ میلیون لیتر، بدون پالایشگاه آبادان، از کجا آمده است؟... و امروز ما بحمد الله سوخت کشور بقیه در صفحه ۲

در چند هفته اخیر کمبود نفت و گاز و پیل، تامین مواد سوختی را برای مردم بیش از پیش مشکل ساخته است. شدت گرفتن بی سابقه برودت هوا و کمبود مواد سوختی، تامین انرژی به یک مسئله حاد اجتماعی بویژه برای محرومان و زحمتکشان میهن مابدل نموده است. در کنار تلاش بی وقفه مردم برای بدست آوردن مایحتاج خوراکی اینک دغدغه تامین سوخت برای نجات از سرمای کشنده زمستان نیز بیش از پیش به مشغله خانواده ها افزون گشته است. مسئولین امر در جمهوری اسلامی، از ماه ها



دوشنبه اول بهمن ۱۳۶۲ برابر ۲۱ ژانویه ۱۹۸۵
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۴۱

نامه اعضای مجلس ایالتی کارناتاکا (هند)

به دبیر کل سازمان ملل در باره زندانیان سیاسی ایران

در ادامه گسترش جنبش پشتیبانی و همبستگی با زندانیان سیاسی ایران در هندوستان، ۲۷ تن از اعضای پارلمان، شورا و مجلس ایالتی "کارناتاکا" - هند طی نامه ای به دبیر کل سازمان ملل متحد، با اشاره به فجایع زندانیان ایران، خواهان اقدام وی برای نجات جان زندانیان ترقیخواه و میهن پرست شده اند. متن نامه بدین شرح است:

به جناب دبیر کل سازمان ملل متحد
ما اعضا کنندگان زیر، اعضای پارلمان و اعضای شورا و مجلس ایالتی "کارناتاکا"، از شما محترمانه تقاضا می کنیم با میانجیگری، از جان هزاران تن از ایرانیان میهن پرست ترقیخواه، وابسته به حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و سازمان مجاهدین خلق ایران و دیگر نیروهای مرفقی که در سیامچالهای رژیم جمهوری اسلامی ایران تحت شدیدترین شکنجه های جسمی و روحی قرار دارند، حمایت کنید.

تا کنون تعداد زیادی از آنها زیر شکنجه در گذشته اند و نیز گروه بسیاری، در انتظار محاکمات فرمایشی تلویزیونی در بیدادگاه نظامی هستند، بقیه در صفحه ۵



مصاحبه "اکثریت" بارفیک و یکتور میشین دبیر اول "کسومول" در باره جشنواره جهانی جوانان (اوت ۱۹۸۵ - مسکو)

کشور به شکل گسترده اما بطور منظم در جشنواره های جهانی جوانان و دانشجویان شرکت داشته اند. بدون تردید، امسال نیز شرکت هر چه گسترده تر جوانان میهن ما و سایر کشورهای جهان در جشنواره جهانی مسکو، بازتاب دیگری از همبستگی جهانی جوانان در مبارزه بخاطر صلح، استقلال، دموکراسی و پیشرفت خواهد بود.

س - اگر ممکن است، لطفا شمای درباره تاریخچه جنبش جهانی دموکراتیک جوانان و سنت برگزاری جشنواره های جهانی بیان دارید.

ج - همانگونه که اطلاع دارید، کمیته اجرایی شورای جهانی صلح در تاریخ اول ژانویه ۱۹۴۵ بیانیه ای خطاب به جوانان ملل متحد منتشر نمود. این بیانیه، از جمله حاوی پیشنهادی در مورد برگزاری یک کنفرانس بین المللی جوانان و بنیانگذاری یک سازمان بین المللی دموکراتیک جوانان در جریان آن، بود. پیشنهاد مزبور با هدف تعمیق همکاری و همبستگی بین نیروهای سیاسی مرفقی بقیه در صفحه ۲

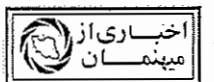
چندی پیش توفیق آن را یافتیم تا با بارفیک و یکتور میشین، دبیر اول کمیته مرکزی اتحادیه لنینی جوانان اتحاد شوروی (کسومول) و رئیس کمیته شوروی تدارک دوازدهمین جشنواره بین المللی جوانان و دانشجویان، مصاحبه ای داشته باشیم. در این مصاحبه، بارفیک میشین با اشاره به تاریخچه جنبش جهانی جشنواره های جوانان و دانشجویان، اطلاعاتی درباره کارهای مربوط به تدارک جشنواره آینده که در اواخر ژوئیه و اوایل اوت ۱۹۸۵ (اواسط مرداد ۱۳۶۴) در مسکو برگزار خواهد شد، در اختیار ما گذاشت. ما ضمن تشکر از بارفیک، در این شماره متن مصاحبه را درج می کنیم.

لازم به یادآوری است که یازدهمین جشنواره جوانان و دانشجویان، در سال ۱۹۷۸ در کوبا برگزار شد. برای برگزاری دوازدهمین جشنواره، اتحادیه لنینی جوانان اتحاد شوروی (کسومول) اعلام آمادگی نموده است.

جوانان و دانشجویان مرفقی و دموکرات ایران از سال ۱۳۲۰ هر چند بدلیل شرایط خفقان حاکم بر

سوگنامه

برای مرتضی میثمی و دیگر شهیدان راه آزادی
شعری از "مانی"
در صفحه ۸



- ☆ اخراج گسترده کارگران آب و برق خوزستان
- ☆ نمونه هایی دیگر از اخراج کارگران در شهرستانها
- ☆ "اگر از خیر زمین نگذرید روستا را به خاک و خون می کشیم!"
- ☆ فرار سربازان از پادگانها و جبهه ها
- ☆ "خدمت" در سپاه بازو و رکتک در صفحه ۹

افغانستان نوین، به روایت یک نویسنده مرفقی سوئدی

انقلاب شور بر کشورهای منطقه و... پاسخ دادند. توجه شما را به این مصاحبه جلب می کنیم:

س - نظر شما راجع به سیر تکامل انقلاب افغانستان و اثرات این انقلاب در منطقه چیست؟

ج - انقلاب شور (آوریل ۱۹۷۸) بی شک اثرات عظیمی را بر خلیقهای آسیای غربی و بتدریج همه خلیقهای جهان سوم بجای گذاشت. تا پیش از انقلاب شور، ۸۰ درصد مردم افغانستان از طریق کشاورزی زندگی می کردند. در این کشور همانند بسیاری از دیگر کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین زمین بشكل بسیار ناعادلانه ای تقسیم شده بود. تعداد معدودی قوودال و زمیندار بزرگ بر زندگی توده عظیم دهقانان کوچک، رعیت ها و کارگران کشاورزی بقیه در صفحه ۱۰

کسانی که مونوگرافی "در اشتیاق نور" (ترجمه هواداران سازمان در خارج از کشور) را خوانده باشند می دانند که آروید روندبری، نویسنده مرفقی سوئدی تا چه حد به انقلاب افغانستان عشق می ورزد و چه اطلاعات وسیعی در مورد این کشور دارد.

از آن جهت که آروید روندبری، سفرهای بسیاری به افغانستان داشته، از نزدیک شاهد پیشرفت روند انقلاب در این کشور بوده است و فعالانه از مبارزات مردم افغان علیه توطئه های امپریالیسم پشتیبانی می کند؛ مناسب دیدیم با ایشان در مورد اوضاع افغانستان و تحولات آن بعد از انقلاب شور مصاحبه ای داشته باشیم. در این مصاحبه ایشان به سؤالات خبرنگار "اکثریت" پیرامون سیر تکامل انقلاب افغانستان، وضعیت کنونی آن، تاثیر

مجموعه گزارشهایی از زندانیان تهران (۳)

در این شماره: جزئیات نحوه بازجویی در اوین در صفحه ۶

رسا تر باد فریاد اعتراض خلق علیه ترور و اختناق، علیه شکنجه و اعدام!

مردم ایران، بروی دریایی از نفت، از سرمای لرزند

بقیه از صفحه اول

را معادل روزی صد هزار تن و بیشتر که بیشتر آن بخاطر بقیه مسائل است. مثل روغن و غیره ... این تولیدات سالی چهل میلیون تن در داخل کشور مصرف می شود. (اطلاعات ۲ شهریور)

اما اینک حتی بیماران و بیمارستانها نیز از نظر مواد سوختی تامین نبوده و از خطر سرمای شدید مصون نیستند. مردم سرمازده اغلب پس از ساعتها انتظار در صفهای نفت حتی در دریافت سهمیه ناچیز نفت خود ناموفق بوده اند. اکنون مناطق مختلف کشور شاهد زنجیره طویل مردمی است که حتی در مواردی، از ۴ صبح در سرمای طاقت فرسا در مقابل شعب فروش نفت صف کشیده اند تا بتوانند سهمیه نفت کوپن خود را دریافت دارند. سهمیه ای که برای هر خانوار "ماهنامه بین ۴۰ تا ۸ لیتر است و این میزان نفت حتی جوابگوی یک بخاری علاءالدین نیست" (کیهان ۱۷ دی)

مسئولین دولتی برای ندادن همین سهمیه نفت به مردم و برای سرپوش گذاشتن بر مشکل حاد سوخت، به اقدامات مختلفی منجمده محدود کردن مدت اعتبار کوپنهای نفت منازل پرداخته اند، که این خود بر میزان ازدحام مردم در جلوی شعب فروش نفت و به دنبال آن عدم توفیق در دریافت نفت و در نتیجه ابطال کوپن ها افزوده است. این در حالی است که به دلیل خاموشی های پی در پی برق، حتی امکان گرم

کردن خانه ها با وسایل حرارتی برقی، علیرغم هزینه بالای آن، نیز از مردم سلب شده است.

مسئله کمبود مواد سوختی و مشکل سوخت، اینک آنچنان حاد شده است که شهرهای مختلف کشور در روزهای اخیر شاهد حرکات اعتراضی مردم نسبت به این امر بوده است. بویژه در شهرهای تهران، اصفهان، تبریز و شیراز اعتراضات مردم نسبت به کمبود و توزیع نامناسب مواد سوختی بشکل درگیری پراکنده با مأمورین انتظامی رژیم و شعار دادن بر علیه مقامات حکومتی خود را به نمایش گذاشت.

حادثه شدن مشکل سوخت و بالا گرفتن اعتراضات، مقامات رژیم را سراسیمه ساخته است. هر یک از آنان ضمن دادن وعده در رفع مشکل به شکلی به تحریف علل این کمبود پرداختند. غرضی، وزیر نفت علت کمبود مواد سوختی را در شروع زودرس فصل سرما و حرص مردم در ذخیره نفت بیان داشت. اما مردم آگاه مابخوبی از علل ناپسامانیها در این زمینه اطلاع دارند. مردمی که روی دریایی از نفت و سایر مواد سوختی زندگی می کنند می دانند که چرا اینک باید اینچنین از امکان گرم کردن خانه و کاشانه خود محروم باشند. علت کمبود نفت و سایر مایحتاج سوختی مردم و واحدهای تولیدی را قبل از هر چیز باید در روش نگاه داشتن شعله های آتش جنگی دانست که هستی ملت ما را برپا می دهد. محدودیت پالایش در نتیجه تخریب و نابودی جزئی و یا کلی تعدادی از

پالایشگاه ها، اختلاس و تاراج منابع نفت برای تامین مخارج سرسام آور جنگ، نیاز سیری ناپذیر خودروهای رژیم در جبهه ها به بنزین و گازوئیل، اختصاص بخشی از مواد سوختی برای مصرف در جبهه ها، به کارگذاشتن قسمتی از تانکهای توزیع نفت در جبهه های جنگ و ... از دلایل عمده کمبود مواد سوختی منازل و واحدهای تولیدی بر بستر ادامه جنون آسای این جنگ ویرانگر است.

بی تفاوتی و اعمال نسبت به تامین نیازها و مایحتاج مردم و نیز فساد شدید، بی برنامه گی و سوء مدیریت در امر توزیع داخلی از جمله دیگر عوامل موثر بر بحران سوخت است. گوشه ای از این فساد را وزیر نفت اعتراف می کند: "فرموده اند ۴۰ میلیون تومان در مورد خرید ۱۰۰۰ تانکر سو استفاده مالی شده است چون این مساله را بعنوان دستاوردی در وزارت نفت داشتیم و ذهن برادران و خواهران روشن است که مساله توزیع نفت چه مشکلات بسیاری داشت، اول هزار تانکر، بعد هم اضافه شد، خودمان خریدیم و وارد کردیم و بین نیروهای رزمنده حزب الهی دارای گواهی نامه پایه یک فرمانداریها توزیع کردیم." (غرضی - اطلاعات ۲ شهریور)

بهر حال اکنون کمبود مواد سوختی بویژه نفت و گازوئیل بشدت مردم محروم میهنمان را آزار می دهد و سرمای کشنده زمستانی بر سایر مصایب آنان افزون گشته است. مردم ما بر دریایی از نفت از سرما می لرزند اما آنان بدون شک عاملین و مسببین مجموعه مصائب خود را از طوفان دریای خشم خویش در امان نخواهند گذاشت.



کشتار روستائیان در خوزستان

ژاندارمری در گرفتن این زمین ها نه تنها به شیخ کمک کردند بلکه در بهم ریختن کشت این کشاورزان همکاری کردند... در شرایطی زمین را از روستائیان گرفتند که کشت آنها سبز شده بود، اما آنها را اکتور آورده و زمین را بهم ریخته و آتش و لاش کرده بودند تا دوباره شیخ بپاید و در این زمین دانه بپاشد. بعد که دانه پاشیده، آمده ادعا کرده که من دانه پاشیدم و ضمن شکایتی به "هیئت پیگیری فرمان هشت ماده ای" و اداره کل کشاورزی، تقاضای آبیاری زمین را کرده... در تمام این مراحل بنابه اظهارات روستائیان پاسگاه ژاندارمری کمال همکاری را با شیخ کرده است...

بالاخره شورایی عالی قضایی گفته که بایستی به تصمیم آقای محمدمهدانی عمل شود... آخرین تصمیم آن می شود که... زمین را بالاخره در اختیار و تحویل آقای محمد جابر غصیان می دهند. آقای محمد جابر غصیان با استفاده از موقعیت قشیه را با یک حمله نظامی به روستائیان خاتمه می دهد و با حمله به روستا و غارت روستائیان خلاصه روستا را در تسلط خود می گیرد.

روستائیان در پی آن شکایت نامه ای از جریبان قتل و غارت و کشت و کشتار محمد جابر غصیان و عوامل او و چگونگی بیرون راندن روستائیان، تنظیم و به شورایی عالی قضایی ارائه می دهند. در این شکایت نامه چنین آمده است:

"... زمین هایی که توسط ما کشت شده با نظارت سروان بختیار فرمانده گروهان ژاندارمری اهواز با بیج تعداد کثیری از مأموران ژاندارمری پاسگاه

بر اثر سیاست های ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی فقر، فلاکت و ویرانی در روستاهای کشورمان پیدا می کند. به خواستهای به حق دهقانان با سرکوب و کلوله پاسخ می دهند. خانها و شیوخ در پناه تفنگ پاسدار و ژاندارم نه تنها به روستاها بازگشته اند بلکه به قتل و غارت نیز مشغول شده اند.

امداد این فجایع چنان بالا گرفته است که حتی اعتراض برخی از نمایندگان مجلس را نیز برانگیخته است. نمونه ای از آن، رویدادهای جاری روستاهای خوزستان کعب موزان، حسرج، چنادره و سیحانی می باشد. به گوشه هایی از آن، فواد کریمی نماینده اهواز در مجلس در سخنرانی خود در مجلس و چندی بعد در مصاحبه ای با روزنامه کیهان مورخه ۲۷ آذر اشاره کرده است. بخشهایی از سخنان او چنین است:

"در سال ۱۳۶۱... جریاناتی در پشت پرده اتفاق افتاد... و نیز بعضی از حرکت هایی که ریشه در مسائل محلی استان خوزستان داشت موجب شد که بتدریج سروکله شیوخ فراری پیدا شود... نتیجه این وضعیت این شده که هم اکنون در بیشتر روستاهای خوزستان و در اکثریت قریب به اتفاق روستاهای اهواز مساله شیوخ یک مساله بحرانی شود که نتیجتاً اقتصاد و کشاورزی را فلج می کند و از نظر سیاسی و اجتماعی نیز بحرانیها و فاجعه هایی را ببار می آورد....

باید توجه کرد که کدامیک از احکام صادره در مورد وضعیت زمینهای کشاورزی روستای کعب موزان اجرا شده است؟ فقط آن دستوری اجرا شده که گفته زمین ها را از روستائیان بگیری و به شیخ بدهی و بلافاصله ژاندارمری اقدام کرده... مأموران

خرم دژ به تصرف فئودالهای معلوم الحال بنام شیخ محمد غصیان و شیخ جابر کعب عمید در آمده است.

دستگیری و بازداشت دسته جمعی ما کشاورزان و هم چنین زنان و کودکان شیرخوار ما را از یک طرف و از طرف دیگر قتل دوتن و مجروح شدن بیش از ۲۰ نفر و از هم بدتر غارت و چپاول و تخریب اموال بیش از ۴۰ خانوار را آغاز کردند... بعد از درگیری

مسلحانه مورخ ۱۴/۵/۶۳ که منجر به قتل یک نفر و مجروح ساختن بیش از ۲۰ نفر از روستائیان شد، پس از آن اکثر روستائیان بواسطه عدم امنیت جانی و مالی به شهرها و روستاها و جنگلهای اطراف گریخته بودند و امنیت دژ روستای مذکور در حالیکه مأموران ژاندارمری در آن مستقر بودند از بین رفته و زنان و اطفال ما را به اسارت گرفته و مورد شکنجه قرار داده...."

مصاحبه "اکثريت" با رفیق ویکتور میشین، دبیر اول "کمسمول"



رفیق ویکتور میشین دبیر اول "کمسمول"

با خلقهایی که برای آزادی و استقلال می‌رزمند، مبارزه برای صلح و تشنج زدایی، مسئله زنان و مسائل مربوط به حفظ محیط زیست مضمون سیاسی عمده جشنواره را تشکیل خواهد داد. گذشته از چهارمین سالگرد سرکوب فاشیسم، سال ۱۹۸۵ دهمین سالگرد امضای پروتکل‌های هلسینکی است، و لذا "امنیت و همکاری در اروپا" یکی از موضوعات مهم مورد بحث در جشنواره مسکو خواهد بود. همچنین با توجه به اینکه سال ۱۹۸۵، توسط سازمان ملل متحد به عنوان سال جوانان اعلام شده است، در جشنواره مسکو شرایط زندگی اجتماعی و سیاسی جوانان در کشورهای گوناگون جهان، مفضلاً معرفی خواهد شد.

س. - لطفاً مختصری نیز درباره برنامه جشنواره توضیح دهید.

ج. - هر روز جشنواره به یک موضوع مشخص اختصاص خواهد داشت. در محل برگزاری جشنواره، مراکز و غرفه‌هایی مربوط به موضوعات مختلف سیاسی و اجتماعی برپا خواهد گردید. به ویژه طبق سنت جشنواره‌های جهانی جوانان و دانشجویان، غرفه‌ای به عنوان محل پرسش و پاسخ با نمایندگان جنبه‌های انقلابی و ضد امپریالیستی کشورهای مختلف جهان در نظر گرفته شده است. همه مباحث، به شکل کاملاً دمکراتیک صورت خواهد گرفت و برای نمایندگان همه عقاید سیاسی و ایدئولوژیک، به ویژه مذهبیون، فضای کافی در نظر گرفته خواهد شد. نشست سوم کمیته بین‌المللی تدارک، پس از بحث‌های زیادی که تا ساعت شش صبح روز سوم به طول انجامید، ترکیب کمیسیون دائمی تدارک جشنواره را که نقش هیئت اجرایی و مرجع مسئول رسیدگی به امور جاری تدارکات را داراست، انتخاب نمود.

کمسمول لنینی اتحاد شوروی در مقام میزبان جشنواره وظیفه خطیری برعهده دارد و در اینجا به شما اطمینان می‌دهم که با موفقیت کامل از عهده انجام این وظیفه برخوردار خواهد آمد. مقر کمیسیون تدارک جشنواره دوازدهم در حال حاضر به طور ثابت در مسکو است و رفیق ژان تلود کندی از فرانسه مسئولیت هماهنگی تدارکات را برعهده دارد.

اکنون که حدود دویست روز به آغاز جشنواره باقی است، هنوز کار و فعالیت تدارکاتی عظیمی در انتظار کمیته‌های ملی تدارک، از جمله کمیته ملی تدارک کشور شماست که باید با شور و اشتیاق هرچه تمامتر در راه انجام آن بکوشید. پس، به امید دیدار در مراسم گشایش جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان در مسکو!

داشتند که با تمام قوا برای جلوگیری از تکرار چنین فجایعی، برای جلوگیری از آغاز جنگی دیگر، مبارزه خواهند کرد.

نخستین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان، عرصه ابراز همبستگی عمیق با مبارزات خلق‌های یونان، اسپانیا و اندونزی بود. شرکت کنندگان فرصت یافتند در تماس و گفتگوی مستقیم با جوانان اتحاد شوروی، به واقعیات زندگی شوروی، که در آن هنگام تا حدود زیادی ناشناخته بود، پی ببرند.

از جشنواره پراگ تاکنون بیش از ۲۷ سال گذشته است. در این مدت، ۹ پایتخت اروپایی و نیز هاوانا، پایتخت کوبای انقلابی، میزبان جوانان و دانشجویان سراسر جهان بوده‌اند که با هدف صلح، دوستی و تقاضای بین‌المللی در یازده جشنواره شرکت جسته‌اند. کشورهایی که تاکنون، برگزارکننده فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان بوده‌اند، عبارتند از: چکسلواکی (۱۹۴۷)، مجارستان (۱۹۴۹)، جمهوری دمکراتیک آلمان (۱۹۵۱)، رومانی (۱۹۵۲)، لهستان (۱۹۵۵)، اتحاد شوروی (۱۹۵۷)، اتریش (۱۹۵۹)، فنلاند (۱۹۶۱)، بلغارستان (۱۹۶۸)، جمهوری دمکراتیک آلمان (۱۹۷۳) و کوبا (۱۹۷۸).

س. - کارهای مربوط به تدارک فستیوال مسکو در چه مرحله‌ای است؟
ج. - در روزهای نهم تا دوازدهم فوریه ۱۹۸۴، کمیته بین‌المللی تدارک جشنواره دوازدهم در هاوانا تشکیل جلسه داد. شرکت کنندگان در این نشست از پیشنهاد ما، کمسمول لنینی اتحاد شوروی، مبنی بر آمادگی برای برگزاری جشنواره دوازدهم در مسکو پشتیبانی نمودند.

نخستین نشست کمیته بین‌المللی تدارک، با توجه به شرایط موجود جهانی، خطوط اصلی تبلیغ حول برگزاری جشنواره را تعیین نمود. طبق قرارهای مصوب این نشست، از جمله با توجه به اینکه دوازدهمین جشنواره جهانی در سال ۱۹۸۵، یعنی چهل سال پس از پیروزی بشریت مرفی بر فاشیسم هیتلری برگزار می‌شود، بسیج برای جشنواره از طریق اکسیونهای مختلف جوانان و دانشجویان، با تاکید بر لزوم مبارزه علیه خطر جنگ فراگیر هسته‌ای و علیه نظامیان متجاوز امپریالیست در سراسر جهان انجام خواهد گرفت.

سومین نشست کمیته بین‌المللی تدارک، در روزهای دوم تا چهارم نوامبر ۱۹۸۴ با شرکت بیش از پانصد نماینده از ۱۱۷ کشور جهان، ۱۷۴ کمیته تدارک ملی و ۲۵ سازمان بین‌المللی و منطقه‌ای در مسکو برگزار گردید. نکته جالب در این بود که درست برابر خط‌مشی تعیین شده توسط نشست نخست کمیته در هاوانا، در نشست سوم طیف بسیار گسترده‌ای از نیروهای کمونیست، سوسیال دمکرات، مسیحیان مرفی و دمکراتها شرکت داشتند. موضوع اصلی بحث نشست سوم و کلیه گفتگوهای که در حاشیه آن بین هیئت‌های نمایندگی گوناگون صورت گرفت، تعیین خطوط اصلی برنامه و انتخاب کمیسیون دائمی تدارک جشنواره بود. معرفی خواستها و اشکال گوناگون جنبش‌های جوانان و دانشجویان، همبستگی

بقیه از صفحه اول

جوانان که پس از آغاز تجاوز فاشیسم آلمان و میلیتاریسم ژاپن به خلق‌های جهان، در شرایط بسیار دشوار، عملاً مبارزه مشترکی را علیه دشمن واحد به پیش برده بودند، مطرح گردید. در تاریخ ۲۹ اکتبر ۱۹۴۵، کنفرانس جهانی جوانان در لندن با شرکت ۴۲۷ نماینده و ۱۴۸ ناظر از ۶۲ کشور جهان و طیف گسترده‌ای از جریان‌های سیاسی جنبش دمکراتیک جوانان، برگزار شد. دستور جلسه کنفرانس و موضوعات بحث آن، عبارت بودند از:

- مبارزه جوانان برای آزادی و برای جهانی بهتر

- خواستهای جوانان در جهان پس از جنگ
- همکاری و همبستگی بین‌المللی جوانان.
نمایندگان جوانان اتحاد شوروی، کانادا، لهستان، دانمارک، یونان، مکزیک و چند کشور دیگر، در جریان کنفرانس لندن، تأسیس یک سازمان بین‌المللی جوانان دمکرات به منظور هماهنگی ساختن و رهبری مبارزات جوانان همه کشورها در راه صلح و ترقی اجتماعی و تحقق خواستهای جوانان را مورد تأیید قرار دادند. طرح اساسنامه چنین سازمانی، به نام "فدراسیون بین‌المللی جوانان دمکرات" در تاریخ هفتم نوامبر ۱۹۴۵ در جریان همین کنفرانس از سوی نمایندگان پذیرفته شد. کنفرانس لندن، ضمناً قراردادی نیز مبنی بر برگزاری جشنواره‌های جهانی جوانان و دانشجویان تصویب نمود.

دو سال بعد، در تابستان ۱۹۴۷، جوانان دمکرات در نخستین جشنواره جهانی در پراگ گرد هم آمدند. همزمان با برگزاری این جشنواره، اوضاع بین‌المللی تدریجاً تحت تأثیر روند در حال تکوین جنگ سرد قرار می‌گرفت. طرح "مارشال" به اروپا تحمیل می‌گردید و "دکترین ترومن" بسیاری از کشورهای جهان را به ماشین نظامی ایالات متحده آمریکا وابسته می‌ساخت. در هند و چین، شعله‌های جنگ زبانه می‌کشید و در یونان، دیکتاتوری و ترور حکمفرما بود. در چنین شرایطی، از اقصی نقاط جهان اخبار نگران‌کننده‌ای به محل برگزاری فستیوال می‌رسید منجمد دولت وقت ایران، خروج از کشور را برای هیئت نمایندگی کشور شما ممنوع ساخته بود و در برزیل کلیه اعضای هیئت نمایندگی دستگیر و به سیاهچال افکنده شدند.

حتی سوسیال دمکراسی در دانمارک، سوئد و نروژ با به کارگیری همه شیوه‌های کوشید از شرکت جوانان این کشورها در جشنواره پراگ جلوگیری نماید.

با این حال، عزم و اراده جوانان مرفی و دمکرات جهان، بسیار قویتر از این تشنات بود. همانگونه که مطلعید، جشنواره پراگ باشکوه و عظمت هرچه تمامتر برگزار گردید. در روز بیست و سوم ژانویه ۱۹۴۷، هزاران تن از شرکت کنندگان در جشنواره، روی تپه‌ای که سابقاً ده "لیدیسه" بر آن قرار داشت گرد آمدند. ساکنین این ده، هنگام اشغال چکسلواکی توسط فاشیستها قتل عام و خود روستا با خاک یکسان گردیده بود. حاضرین در مراسم یادبود قربانیان قتل عام لیدیسه، خطاب به جهانیان اعلام



گل‌وله باران پاسگاه مرزی افغانستان از سوی نیروهای جمهوری اسلامی

هفته گذشته از سوی جمهوری اسلامی به ست یک پاسگاه مرزی جمهوری دمکراتیک افغانستان آتش گشوده شد که منجر به کشته شدن چند نفر غیر نظامی کشور همسایه و به اسارت درآمدن عده‌ای که به سختی مجروح شده بودند گردید.

در همین رابطه وزارت امور خارجه افغانستان طی یادداشتی خطاب به دولت جمهوری اسلامی، شدیداً به این اقدام خصمانه اعتراض نمود و اعلام کرد مسئولیت عواقب این تحریکات تماماً بر عهده جمهوری اسلامی است.

این نخستین باری نیست که رژیم مستقیمی و علناً دست به این اقدامات علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان می‌زند. جمهوری اسلامی علاوه بر این که همچون پاکستان به ما و ما را و مأمین دارو دسته‌های ضد انقلابی افغانی بدل گشته است، چندی است خود مستقیماً به خاک کشور همسایه تجاوز می‌کند.

شدت گرفتن درگیریهای دریایی و هوایی بین جمهوری اسلامی و عراق

در دو هفته گذشته درگیریهای هوایی و دریایی نسبت به هفته‌های قبل بالا گرفت. جمهوری اسلامی اعلام کرد یک پادگان ارتش عراق را مورد حمله قرار داده و یک هواپیمای عراقی را بر فراز خلیج فارس سرنشون کرده است. عراق نیز ضمن تکذیب این خبر اعلام نمود یک هدف دریایی را مورد حمله قرار داده است.

مهمترین مسأله‌ای که در رابطه با جنگ در دو هفته گذشته مطرح شد مصاحبه خامنه‌ای با کیهان (۱۸ دی) بود. خامنه‌ای که چند روز قبل از این مصاحبه بر ضرورت وارد آوردن ضربت آخر تأکید کرده بود، درماندگی رژیم در پیش برد جنگ و در همان حال مامیت جنگ افزوده سران جمهوری اسلامی را یکبار دیگر عیان ساخت.

خامنه‌ای در مصاحبه با کیهان "زدن ضربت آخر" را به یک زمان موهوم محول نمود. وی در این مورد گفت: "باید دید که پیروزی چگونه به دست می‌آید، گاهی پیروزی با یک حمله برق‌آسا حاصل می‌شود و گاهی با شکل دیگری از حرکت حاصل می‌شود. آیا شما فکر نمی‌کنید آنچه که امروز می‌بینید رکود نیست بلکه یک حرکت سنجیده و حساب شده است برای آن که پیروزی قطعی به دنبال داشته باشد؟"

اکنون مسأله زمان مطرح است... درست است که زمان هیچ گاه در چنین شرایطی به سود ما نیست، اما باید دید که به سود دشمن هم نیست.

ما می‌خواهیم ضربه خود را بزنیم. حال این ضربه را حساب شده بزنیم یا نه؟ گاهی هست که سنجیده ضربه زدن مقداری به تأمل نیاز دارد. ما جنگ توأم با پیروزی می‌خواهیم و در جنگ همراه با پیروزی باید انسان تمام امکانات لازم را در اختیار گیرد و گاهی در پنج نقطه خود را برای ضربه زدن آماده می‌کند و تمام اینها در کوتاه مدت به دست

نمی‌آید و شما فرض کنید که ما مشغول گذراندن این زمان هستیم."

شیوع مننژیت در جبهه‌ها

تنها کلوله و بمب و خمپاره نیست که جوانان میهن ما را در جبهه‌های جنگ قربانی جنگ افزوئیهای رژیم می‌سازد. بیماریهای مختلف نیز که در جبهه‌ها شیوع وسیعی یافته‌اند، تاکنون منجر به مرگ عده زیادی شده است. در حال حاضر خطرناکترین بیماری شایع در جبهه‌ها مننژیت است. علی‌رغم این که وزیر بهداشت در طی مصاحبه‌ای اعلام کرد پیشگیریهای لازم را برای جلوگیری از سرایت این بیماری به عمل آورده‌اند، اما خبرهای رسیده حاکی است که شیوع این بیماری به حد خطرناکی رسیده است.

برودت شدید هوا در ایران میزان بیماری و مرگ و میر در جبهه‌ها بر اثر بیماریهای فصل سرما را بالا برده است. رژیم با این بهانه که سربازان برای گریز از جبهه‌ها تمارض می‌کنند، امکانات پزشکی کافی برای مقابله با بیماریها را در اختیار آنان نمی‌گذارد.

رابطه نزدیک هیات‌های گزینش با وزارت اطلاعات

اخیراً به مناسبت سالگرد فرمان ۸ ماده‌ای، نخستین سمینار هیاتهای گزینش، برگزار شد. سید علی خامنه‌ای، رئیس جمهور در نماز جمعه تهران امر گزینش را برای جمهوری اسلامی یک موضوع حیاتی خواند و گفت: "گزینش به معنای یک دقت نظر برای کسانی است که می‌خواهند وارد دستگاههای دولتی شوند یا مثلاً وارد دانشگاه شوند."

محمدی ری شهری وزیر اطلاعات، (ساواک جمهوری اسلامی) اهداف این هیاتها را صریحتر از خامنه‌ای بیان داشت. وی به عنوان سخنران سمینار هیاتهای گزینش، رابطه هر چه بیشتر و نزدیکتر هیاتها و اعضای آنها را با دستگاههای پیکر و سرکوب و وزارت اطلاعات، توصیه نمود. وزیر اطلاعات در جمعین سخنرانی خود گفت: "بطور خلاصه ترجیه مسئولین، رابطه نزدیک هیات گزینش با دستگاههای اطلاعات و وزارت اطلاعات و... از شرایط موفقیت در امر گزینش می‌باشد."

فروش نفت از قرار بشکه ای ۲۵ دلار

هنوز مرکب قرارداد جدید وزرای نفت کشورهای اوپک که بر مبنای آن قیمت پایه برای فروش هر بشکه نفت ۲۹ دلار تعیین شده، خشک نگشته است که جمهوری اسلامی علناً خبر از انعقاد یک قرارداد برای فروش نفت به قیمت بشکه ای ۲۵ دلار می‌دهد.

طبق قرارداد که جمهوری اسلامی با ژاندنو بسته است قرار است در سال جاری میلادی ۶ میلیون بشکه نفت به بهای ۱۵۰ میلیون دلار تحویل کشور داده و در عوض ۱۲۲ هزار تن گوشت یخ زده وارد کند.

شرکت واحد به سرمایه داران واگذار می‌شود

سیاست "همه چیز در خدمت جنگ" و کاهش بودجه خدمات اجتماعی کشور و سازمانهای مسئول تأمین خدمات شهری و بکارگیری وسایل حمل و نقل عمومی در جبهه و پشت جبهه، تأثیرات زیانبار و

مخرب خود را در عرصه ترافیک شهری نیز به جای گذاشته و اوضاع نابسامان ترافیک، نابسامان تر شده است.

هم اکنون در بسیاری از شهرهای بزرگ کشور از جمله تهران به علت کمبود اتوبوس و نابسامانیهای ناشی از سیستم ترافیک شهری، روزانه میلیاردها ریال زیان مالی متوجه کشور شده و گروه بسیاری جان خود را از دست می‌دهند. بنا به گزارش روزنامه کیهان تنها در تهران "ضررهای ناشی از ترافیک شهری روزانه بالغ بر ۷۰ میلیون تومان است و هر سال میزان این ضررها در حدود ۲۲ میلیارد تومان تخمین زده می‌شود." همین روزنامه در مورد خسارات جانی می‌نویسد: "خسارات جانی و مالی ناشی از سیستم ترافیک شهری بسیار زیاد است و طبق آمار ارائه شده از طرف اداره راهنمایی و رانندگی و پزشکی قانونی تهران در سال پیش از ۲۱۰۰ نفر (یعنی بطور میانگین روزانه ۶ نفر) جان خود را در تصادفات تهران از دست می‌دهند و حدود ۶ هزار نفر دچار نقص عضو می‌شوند."

علاوه بر این روزانه میلیونها ساعت از وقت و عمر مردم در پای صف‌های طویل اتوبوس و تاکسی و در پشت چراغ‌های قرمز تلف می‌شود. همین روزنامه می‌نویسد: "به گفته کارشناسان همه روزه بیش از ۲/۵ میلیون ساعت وقت مردم تهران در ایستگاههای اتوبوس پشت چراغ قرمزها و تقاطع‌ها تلف می‌شود. این رقم برابر با عمر فعال ۴۰ نفر انسان با متوسط سنی ۵۰ سال می‌باشد."

اکنون نمایندگان مرتجعین در مجلس، این نابسامانیها و آشفتگیهای ارتجاع ساخته را برای خدمت گزاری بازم بیشتر به کلان سرمایه داران مورد بهره‌برداری قرار دادند. به نوشته روزنامه کیهان ۷۰ آذر کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس در ششم آذر ماه، "طرح قانونی الزام دولت در مورد تهیه لایحه اداره شرکتهای واحد اتوبوسرانی را به صورت تعاونی به تصویب رسانید."

به این ترتیب در عرصه حمل و نقل شهری نیز تحت پوشش "تعاونی" همه چیز تحت اختیار و انحصار بخش خصوصی قرار خواهد گرفت که نتیجه آن برای مردم جز رنج و هزینه بیشتر نخواهد بود.

"اجاره نامه سازمان اوقاف برای

زمینهای محرومین برکت خواهد آورد"

در پی تصویب قانون ابطال اسناد موقوفات فروخته شده در مجلس و شورای نگهبان، اخیراً مسئولین سازمان اوقاف، در گردهمایی سراسری خود اعلام داشتند: "اینک سازمان آماده برگرداندن بیش از ۲۰۰ هزار رقبه موقوفه به وقف و اجرای نیات خیر واقفین است و با اجرای این قانون، در موقوفات کشور گردگونی خاصی ایجاد می‌شود."

اعتمادیان سرپرست سازمان اوقاف در این گردهمایی تأکید کرد: "سازمان اوقاف مصمم است تا با اجرای این قانون، اراضی را که در حال حاضر به صورت بلاتکلیف در اختیار افراد است، با تنظیم اجاره نامه بطور شرعی در اختیارشان قرار دهد و انشاء الله برکات الهی با این کار شرعی به اموال و محصولات کشاورزی بازگردد و کشاورزان مایبترانند با خیال آسوده از زمینهای موقوفه بهره‌برداری کنند."

در حاشیه

دولتمردان آهن خوار و ماشین خوار

• یک نماینده مجلس:

"این صحیح نیست یک نفر مستضعف سالها در نوبت آهن بماند و فلان سیاستمدار آنها در زمینش زنگار بزند. اگر عرضه جنس در بازار سیاه خلاف است فلان آقای وکیل و وزیر که در بازار سیاه ماشین می فروشد اول مجازات شود." (کیهان-۱۵ دی)

• جنتی امام جمعه موقت قم:

"حالا که روحانیت دستش به بیت المال رسیده است، خود را آزاد میداند هر جور که می تواند زندگی می کند. من (۱) برای یک شاخه آهن باید چقدر بدوم ولی او در خانه اش آهن انبار کرده است. من به این قشر عامه بصرها... عرض می کنم که به اسلام و خون شهدا... خیانت می کنی." (کیهان-۲۲ دی)

در پیرامون بحث مالیات

• وزیر امور اقتصادی و دارایی:

"از جاهایی می نویسند که برای فلانی این رقم مالیات نوشته شده و زیاد است. پس از بررسی مشخص می شود که مالیات کم بوده و باید افزایش یابد. فرضا موردی بود که یک قلم خرید ۷۵ میلیون تومان بود." (کیهان-۱۳ دی)

• هادی خامنه ای نماینده مجلس:

"یکی از موانع در رابطه با مالیاتها، نبودن یکنواختی در دید روحانیت است که بسیار ضروری است توجیه علمی شود." (کیهان-۱۳ دی)

• صانعی دادستان کل کشور:

"ما پیوسته خواستار ادامه بحث مالیاتها در مجلس هستیم. فضایی بزرگ و دانشمندان عالی قدر هم راجع به آن سخن می گویند... لذا به بعضی از مسئولین گفتیم که تقاضا می کنم این بحث ها را روی روزنامه ها تیریز نزنند تا مورد سوء استفاده قرار نگیرد." (کیهان-۱۵ دی)

یک شهر دو میلیون نفری

نماینده کرج:

"امکانات شهر دو میلیون نفری کرج در حال حاضر حتی به اندازه یک شهر نیم میلیونی نیست. و این شهر کلکسیون مشکلات است و خانه های افراد ضعیف را با حکم تخریب کرده و زمین خواران آنها را گرفته و راحت می شوند... شبکه وسیع قاچاق مواد مخدر بوسیله پاکستانیها، افغانیها، و هندی ها تشکیل شده و مواد مخدر به راحتی بصورت کیلویی توزیع می گردد..."

شرط حل مشکل مسکن: عنایت زمین خواران

صانعی دادستان کل کشور:

"آنهايي که زمین دارند و نمیشود طبق قانون از آنها بگیرند بایستی خودشان احسان کنند و آنها را در اختیار مسئولین قرار بدهند تا آنها بتوانند مشکلات را رفع کنند و برای این دانشجویان خانه بخرند و بسازند. اکنون فرزندان دانشجویی شما در تهران با مشکلات فراوان در مسافرخانه ها زندگی می کنند و دختران دانشجو در سرداب ها بسر می برند. بچاست آنهايي که وضع مالی خوبی دارند به این مسائل عنایت کنند." (کیهان-۱۵ دی)

تخریب شبانه زمین ورزشی

وزیر ورزش و جوانان: زمین ورزشی همت آباد اصفهان نیز به سرخس زمین ورزشی خیابان سپهسالار دچار شد و شبانه با "لودر" مورد تخریب قرار گرفت.

علیرضا رحیمی مدیرکل تربیت بدنی اصفهان در این مورد اظهار داشت: زمین ورزشی همت آباد در سال ۱۳۶۰ به وسیله سازمان عمران و اراضی اصفهان به تربیت بدنی واگذار گردید و مبلغی حدود یک و نیم میلیون تومان هزینه تسطیح و دیوارکشی آن شد، تا بصورت زمین خاکی درآمد. با نصب دروازه های فوتبال این زمین مورد استفاده مردم مستضعف و بخصوص جوانان منطقه جنوب شرقی اصفهان که از نظر امکانات واقعا در مضیقه می باشند، قرار گرفت. اما متأسفانه افرادی با قدرت پول، شبانه با "لودر" سنگین به ورزشگاه مذکور که سه سال از احداث آن می گذرد حمله نموده و آن را با خاک یکسان کردند." (کیهان-۱۲ دی)

نامه اعضای

بقیه از صفحه اول

بدون آنکه به آنها اجازه انتخاب وکیل مدافع داده شود. تا کنون بسیاری از آنها به جوخه های اعدام سپرده شده اند.

هیات حاکمه ایران هیچ نیروی مخالفی را تحمل نمی کند و بطور غیر انسانی سعی در نابودی فیزیکی همه مخالفان خویش را دارد. شکنجه و آزار حد و مرزی نمی شناسد.

حکام رژیم جمهوری اسلامی ایران با فراموش کردن آماجهای اساسی انقلاب ایران، راه دوستی با امپریالیستها را در پیش گرفته اند. آنها ایران را درگیر جنگی با عراق کرده اند که تنها موجب افزایش بدبختی مردم ایران شده است. مردم ایران خواهان جنگ نیستند. آنها خواهان صلح اند.

بنا بر این ما از شما بار دیگر بنام انسانیت و حقوق دمکراتیک تقاضا می کنیم با مداخله خود خواسته های زیر را تحقق بخشید:

۱- آزادی فوری همه زندانیان سیاسی
۲- در زندانها به روی وکلای بین المللی و مبارزان حقوق بشر گشوده شود تا وضعیت زجرآور زندانیان بررسی شده و حقایق روشن گردد.

۳- به جنگ بین ایران و عراق که تا کنون زندگی تعداد زیادی را گرفته و موجب تحمیل مشقت بر مردم ایران و عراق شده است، پایان داده شود.

۴- پایان دادن به محاکمات نمایشی اعضای حزب توده ایران و سایر احزاب مخالف و نیروهای دمکرات و کشتار غیر انسانی زندانیان سیاسی.

- ۱- ک. چاناباساوان گودا، ۲- ن. چیکی گودا، ۳- آ. و. آباسامی ردی، ۴- اس. آر. ج. حدکادو، ۵- ب. گانگنا، ۶- س. آر. پستیل، ۷- آ. ب. دسای، ۸- ج. و. ماننور، ۹- ک. ب. سرانایا، ۱۰- پام پایتی، ۱۱- ام. اس. کریشنا، ۱۲- اس. سورینا ریانارو، ۱۳- سری ران گادیا رازابی، ۱۴- آ. اس. مانی، ۱۵- ت. ب. بوریا، ۱۶- ج. ب. وادیاراج، ۱۷- اس. ک. کوتا، ۱۸- ویس مانتا، ۱۹- س. پاپرگورا، ۲۰- ا. مونک آپا، ۲۱- ب. گراتو، ۲۲- ب. نیک پیچ، ۲۳- ج. ک. ونکا تارسیروا، ۲۴- مودان کویال نایا، ۲۵- پراباکار این، ۲۶- اکرا ناراسیمپا، ۲۷- راجا آمارایانید

* رفقای آمریکا:

از ارسال ترجمه های جدیدتان سپاسگزاریم. فعالان به همکاری خود با مادر این عرصه ادامه دهید.

* رفقای انگلستان و دانمارک:

مقالات و ترجمه های شما را دریافت می کنیم. از همکاری فعال شما با نشریه خودتان تشکر می کنیم.

* رفقای ترکیه:

همچون گذشته منتظر دریافت گزارشها و ترجمه های شما هستیم. اخباری را که فرستاده بودید، دریافت شد.

توضیح

متأسفانه در نشریه شماره ۳۹ "در صفحه اول سطر دوم مقاله "کامپوچیی نوین"، به جای "پنگ ساری"، "هنگ سامری" تایپ شده است. بدینوسیله تصحیح می شود.

دیده اید از مطلبی که فرستاده بودید استفاده شد. به نحوه تنظیم مقاله در نشریه توجه کنید. به همکاری خود با ما ادامه دهید.

* رفقای هندوستان:

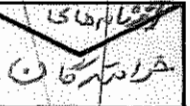
از همکاری فعال شما با نشریه بسیار تشکر می کنیم. به طور مرتب گزارشها، مقالات، عکسها و ترجمه های شما را دریافت می کنیم. عدم انعکاس مقالات ارسالی در نشریه به معنی بلا استفاده بودن آنها نیست. همچنان برای ما مقاله بنویسید. در انعکاس گزارشها نیز لازم است ما، تقدم و تاخر مجموعه گزارشهای دریافتی را رعایت کنیم. درود ما و نثار تک تک شما باد.

* رفقای پاکستان:

دریافت نامه های شما را بسیار شادمان می سازد. از نظم، دقت و پی گیری شما بسیار سپاسگزاریم. گزارش مورخه ۲/۵/۸۵ نیز دریافت شد. متأسفانه ارسال کتاب برای ما مقدور نیست. از شعرای شما استفاده می کنیم. در این مورد به زودی با شما مکاتبه مستقیم خواهیم داشت.

نامه های

خوانندگان



* آلمان فدرال بدوست عزیز- امید:

متأسفانه نشانی پستی شما کامل نبود. نشانی پستی دقیق خود را به همان آدرسی که تا کنون نامه هایتان را فرستاده اید، در اسرع وقت ارسال نمایید.

* ایتالیا- رفیق انیس:

مقاله شما به دست ما رسید. به همکاری خود با ما ادامه دهید.

* رفیق محمود- ک از برلین غربی:

نامه شما به دست ما رسید. منتظر نامه های دیگر شما هستیم.

* رفیقی از برلین غربی:

مقاله شما را دریافت کردیم. همانگونه که

همیشه که از نامه های شما مطلع می شدیم، به نشریه های خودتان تشکر می کردیم. به همکاری خود با ما ادامه دهید.

مجموعه گزارشهایی از زندانهای تهران (۳)

زندان اوین

اوین مشهورترین زندان سیاسی رژیم جمهوری اسلامی است. شهرت اوین تا به حدی است که در سطح جهانی در نزد نیروهای ترقیخواه و بشردوست، حکم نام دوم مرتجعین حاکم را یافته است؛ "جمهوری اسلامی؟ همان رژیمی که زندان وحشتناکی به اسم اوین دارد؟" شاید بسیاری از هم میهنان ما در خارج از کشور این عبارت یا نظایر آن را شنیده باشند.

اوین بیپرده این همه آوازه نیافته است. در دیوار، سلولها، بندها و تپه‌های اوین، چه در زمان شاه معدوم و چه در زمان حاکمیت خائنین به انقلاب، شاهد فجایعی بوده‌اند که تنها شنیدن یک نمونه از آنها قلب هر انسان باوجدانی را فشرده می‌سازد. آنسان فشرده که همواره تصویر دردناک آن در ذهن باقی می‌ماند.

اوین بر دیگر زندانهای رژیم جمهوری اسلامی سیطره دارد. کارکشته‌ترین بازجویان و جلادان در این شکنجه‌گاه به کار گماشته شده‌اند. در این زندان است که شیوه‌های تازه شکنجه و بازجویی ابداع شده و مورد تجربه ممتد قرار می‌گیرند و عمدتاً از اینجاست که این شیوه‌های نو به زندانهای دیگر انتقال داده می‌شود.

نفوذ اوین بر روی زندانهای دیگر تنها یک نفوذ "معنوی" نیست. اوین واقعا بر زندانهای دیگر فرمان می‌راند. اوین پایتخت زندانهای جمهوری اسلامی است. از اسارتگاههای دیگر، زندانیان ویژه، زندانیانی که رژیم بر روی آنها حساسیت خاصی دارد، به اوین فرستاده می‌شوند. بعضاً از اوین بازجویان و شکنجه‌گران ماموریت می‌یابند تا برای بازجویی از برخی زندانیان به اسارتگاههای دیگر بروند. کاملترین آرشو اطلاعاتی در مقایسه با همه زندانهای ج.ا.د اوین است. حتی می‌توان گفت بخش عمده‌ای از فعالیتهای اطلاعاتی رژیم در اوین متمرکز است.

اوین چیزی بیش از یک زندان است. حکومتی است خودمختار که تنها عناصر خاصی از حاکمیت بر آن نظارت و سیطره دارند. حتی مهره‌های خود رژیم نیز از این اسارتگاه می‌ترسند.

اوین سیاستگزاری نیز می‌کند. اوین می‌تواند ارگانهای تبلیغی را در خدمت خود گیرد، جو رعب و وحشت پدید آورد تا امتیازات بیشتری به نفع جناحهای معینی از حاکمیت کسب کند. حتی مسئولین درجه سوم اوین نیز از فلان مدیرکل و بهمان معاون وزیر در جمهوری اسلامی نفوذ بیشتری دارند و می‌توانند بدون ترس از هرگونه بازخواستی، به هر کاری دست زنند.

ما در شماره‌های پیشین "اکثريت" دو گزارش از اوین به چاپ رسانده ایم. در این گزارش جدید، برای جلوگیری از تکرار مطالب، وجومی از این زندان را تا اوایل ۶۲ مورد بررسی قرار خواهیم داد که حکم مکمل نوشته‌های قبلی را داشته باشند.

بخشهای مختلف زندان اوین

زندان اوین، از ۸ بند و قسمتی که بر آن آموزشگاه نام نهاده‌اند، تشکیل شده است. بندهای ۲۰۹ و ۲۱۱ محل سلولهای انفرادی است. کسانی که زیر بازجویی هستند در این بندها به سر می‌برند. معمولاً یک زندانی را بعد از این که بازجویی شد به بندهای دیگر منتقل می‌سازند اما از کسانی که وضعیت ویژه‌ای دارند، همچون اعضای مهم سازمانهای سیاسی، تا مدتها در سلولهای انفرادی این دو بند، خاصه بند ۲۰۹ نگه داری می‌شود تا تحت شکنجه مداوم قرار گیرند. علت دیگر نگه داری این گونه زندانیان در بند ۲۰۹ آن است که ارتباط گیری بازندان این دیگر، در سلولهای انفرادی فوق العاده مشکل است.

مدت اقامت فرد در بندهای ۲۰۹ و ۲۱۱ نسبت مستقیمی با وضعیت پرونده زندانی دارد. کسانی که زیر شکنجه کشته شده‌اند، کسانی که مدت کوتاهی بعد از دستگیری اعدام گردیده‌اند، عمدتاً تمام طول اسارتشان را در این بندها به سر برده‌اند. افرادی نیز وجود دارند که بیش از یک سال در این بندها به سر برده‌اند.

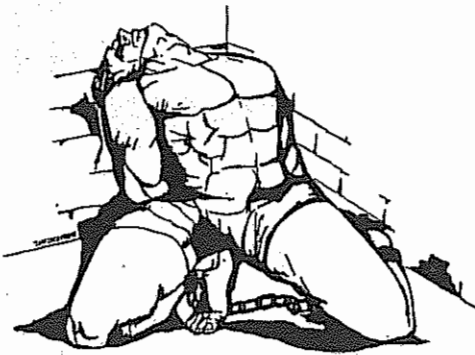
بند ۲۰۹ یکی از پرمشغله‌ترین بخشهای زندان اوین است. دانشا زندانیان جدیدی به این بند وارد می‌شوند و زیر شکنجه قرار می‌گیرند. زندانیان دارای وضعیت حساس در سلول مجرده به سر می‌برند. بقیه سلولها حداکثر هشت نفر زندانی در خود جا داده‌اند. تراکم زندانیان باعث می‌شود که عده‌ای از آنها را هفته‌ها با چشم بسته در راهروی بند نگهداری کنند.

بقیه بندها هم یک از ۱۲ اتاق تشکیل شده‌اند، ۶ اتاق در طبقه اول و ۶ اتاق در طبقه دوم. بعضی از اتاقها ۲×۴ متر هستند و بعضی ۶×۶ متره در هر اتاق بطور متوسط بین ۱۰ تا ۱۲۰ زندانی به سر می‌برند. از میان این ۶ بند، بندهای ۲ و ۴ (معروف به بندهای ۲۴۰ و ۲۴۶) به زندانیان زن اختصاص دارند. بندها ویژه ساوکی‌ها و توایبانی است که حکم بازجویان و مبلغین رژیم را پیدا کرده‌اند (کسانی نظیر احمد رضا کریمی و حسین روحانی). این بند دارای امکانات رفاهی ویژه‌ای است.

تنها بخش عمومی زندانیان مرد در اوین، بخش آموزشگاه است. آموزشگاه از ۶ "سالن" تشکیل شده که سالن‌های ۲، ۳ و ۵ در بسته و سالن‌های ۴، ۶ و ۷ در باز می‌باشند. تراکم زندانی در آموزشگاه همچون دیگر بندهای اوین به حدی است که در هنگام خواب، حداکثر به هر نفر یک باریکه ۲۵ سانتی‌متر در ۱/۷۵ متری می‌رسد.

شکنجه و بازجویی در اوین

همچنان که در گزارشهای قبل گفتیم شکنجه و بازجویی، مراحل جدای از هم نیستند. شکنجه در خدمت بازجویی است و لذا در تمام طول مدت بازجویی جریان دارد. در مورد شکنجه در اوین قبلاً به تفصیل نوشته ایم و از همین‌رو در این بخش از گزارش بیشتر به



نحوه بازجویی در اوین می‌پردازیم.

جریان بازجویی

در بند ۲۰۹ شعبات مختلف بازجویی متمرکز است. شعبات ۵ و ۶ به بازجویی از زندانیان گروههای چپ اختصاص دارد. شعبه ۵ ویژه بازجویی از اعضا و هواداران حزب توده ایران، سازمان ما و منشعبین ۱۶ آذر و شعبه ۶ ویژه بازجویی از زندانیان وابسته به بقیه گروههای چپ است.

سوالاتی که بازجو از زندانی می‌پرسد تابع دو عامل عمده است: تعلق سازمانی زندانی و این که فرد دارای چه موقعیت تشکیلاتی بوده و پرونده‌اش از چه حساسیتی برخوردار است. عمدتاً سوالات به صورت چایی و آماده وجود دارد. برخی سوالات برای گروههای مختلف یکسان است.

بازجویی معمولاً در سه مرحله صورت

می‌گیرد. در زیر به تفصیل این سه مرحله را بررسی می‌کنیم.

مرحله اول بازجویی

در بسیاری از موارد، بلافاصله بعد از دستگیری، بازجویی و شکنجه، برای کسب اطلاعات فوریت داری همچون قرارهای افراد مرتبط با فرد زندانی آغاز می‌شود. سوالات این بازجویی اولیه تابع فاکتورهایی است از قبیل میزان اطلاعات نسبت به زندانی، حد مسئولیت او، چگونگی دستگیری، مدارکی که در هنگام دستگیری به دست عوامل رژیم افتاده است و...

سوالات بازجویی مقدماتی کلاسه شده نیست و بر اساس شرایط مشخص تنظیم می‌گردد. بازجو با توجه به حیطه اطلاعات و تجربیات خود، سوالاتی را مطرح می‌سازد و با توجه به پاسخ‌هایی که می‌شنود می‌کوشد دامنه آنها را گسترش دهد. بنابراین زندانی باید به گونه‌ای به سوالات پاسخ گوید که رد هایش را کم کرده، از حیطه اطلاعاتی که کاملاً به سوخته بودن آنها اطمینان دارد فراتر نرود و با جوابهای کوتاه و هوشیارانه جلوی سوالات بعدی را بگیرد.

بعد از این بازجویی مقدماتی (بازجویی حول موضوعات فوریت دار) که شکنجه‌های همراه با آن در موارد بسیاری به دلیل اهمیت و فوریت اطلاعاتی که بازجو می‌پسند است به آنها دست یابد شدت ویژه‌ای دارد، بعضاً "بایک وقفه و گاه بلافاصله بازجویی های عمومی آغاز می‌شود."

سوالاتی که معمولاً در مرحله اول بازجویی جامع از زندانی پرسیده می‌شود، در ۱۲ الی ۱۵ صفحه چاپ شده‌اند. در صفحه اول، زندانی موظف است تعهد کند که حرفی خلاف واقع ننویسد، وگرنه به شدت مجازات خواهد شد.

سوالات به صورت زیر دسته‌بندی شده‌اند:

* بخش اول:

مشخصات فردی شامل نام، نام خانوادگی، اسم مستعار، تاریخ تولد، محل تولد، مذهب، نام پدر و مادر، میزان تحصیلات، شغل (در صورت تغییر شغل مشخصات مشاغل قبلی نیز خواسته می‌شود)، آدرس و کروکی منزل (در صورت تغییر منزل، آدرس منزل سابق را نیز می‌خواهند)، آدرس و کروکی محل کار.

* بخش دوم:

در این بخش پرسیده می‌شود در صورت مسافرت به خارج به چه کشورهایی، در چه زمانی و به چه منظوری مسافرت کرده‌اید؟ چه مدت در هر یک از آن کشورها اقامت داشته‌اید؟

* بخش سوم:

مشخصات مربوط به همسر، فرزندان، خواهران و برادران، پدر و مادر و خواهر و برادر همسر، زن برادر و شوهر خواهر، برادرزاده‌ها و خواهرزاده‌ها، عمه و شوهر عمه و عمه زاده‌ها، دایی و زن دایی و دایی زاده‌ها، عمو و زن عمو و عمو زاده‌ها، خاله و شوهر خاله و خاله زاده‌ها. مشخصات شامل نام و نام خانوادگی، شغل، آدرس همراه با کروکی، شماره تلفن و فعالیت سیاسی شخص است.

* بخش چهارم:

پرسش در زمینه فعالیت‌های سیاسی و تشکیلاتی زندانی شامل موارد زیر:

- نام سازمانی که فرد بدان وابسته است
- زمان ارتباطگیری با تشکیلات
- چگونگی ارتباطگیری
- رده تشکیلاتی (کادر - عضو - نامزد عضویت - هوادار تشکیلاتی - هوادار ساده)
- نوع فعالیت
- منطقه فعالیت
- مدت فعالیت

- فعالیت در تشکلهای توده‌ای همچون شوراهای کارگری و محلی و تعاونی‌ها (در هنگام بازجویی از هواداران حزب توده ایران و سازمان مابرو روی این سوال تأکید ویژه‌ای می‌شود).

مشخصات مسئول تشکیلاتی (شامل نام - نام خانوادگی - اسم مستعار - شغل - میزان تحصیلات - آدرس همراه با کروکی - شماره تلفن - قد - رنگ مو - رنگ چشم - رنگ چهره - مشخصات ویژه)
- چارت تشکیلاتی (هم حوزه‌ایها - حوزه بالا - حوزه‌های پائین - بخشهای مختلف سازمان - ارتباطات و...)

بیشترین فشار شکنجه‌گران بر روی زندانی در هنگام گرفتن پاسخ سوالات بالاست و بویژه در همین گام از بازجویی است که هوشیاری انقلابی باید برای کور ساختن چشم دشمن، درخشان یابد. در همین مرحله است که حماسه‌ها آفریده می‌شود، مقاومت اوج می‌گیرد و زندانی به دفاع تا پای جان از شرافت

انقلابی خود برمی‌خیزد.

در این مرحله باید با سیستم اطلاعاتی دشمن برخورد واقع بینانه‌ای داشت، نه او را دست کم گرفت و نه به دامنه اطلاعات او پریهاداد. زندانی باید در این گام هوشیاری، خونسردی، شجاعت و ایمان انقلابی خود را به حد اعلائی تمرکز رسانده و به نبرد با بازجو، شکنجه‌ها، بلوف‌ها و چربزبانی‌های او برخیزد.

در این بخش در رابطه با هر گروهی سوالات خاصی نیز گنجانده می‌شود. در مورد سازمانهایی که فعالیت نظامی دارند سوالات ویژه‌ای در همین رابطه، مطرح می‌گردد. مثلاً در هنگام بازجویی از مجاهدین خلق تأکید اصلی بر روی "فاو نظامی" است. بعضاً سوالاتی در مورد مسافرت به کردستان و طی دوره‌های نظامی نیز مطرح می‌شود.

* بخش پنجم:

پرسش در مورد گروه‌های دیگر، شامل سوالاتی از قبیل مشخصات اعضای سازمانها و افرادی که وابستگی تشکیلاتی دارند و در ادارات و ارگانهای مختلف شاغل هستند.

در پایان پرسش نامه، این سوالات نیز گنجانده شده است:

- آیا حاضرید گذشته خود را محکوم کنید؟

- آیا حاضر به مصاحبه هستید؟

- فعالیتهای تبلیغی و تشکیلاتی خود را در میان مردم بنویسید.

مرحله دوم بازجویی

مرحله دوم بازجویی معمولاً بعد از فرستادن زندانی به اتاقهای عمومی است. در این مرحله تأکید بازجو عمدتاً بر روی مواضع سیاسی و ایدئولوژیک فرد است. بازجو از طریق طرح یک سری سوال می‌خواهد بفهمد زندانی در چه سطحی از نظر سیاسی و ایدئولوژیک قرار دارد (تا از این طریق نیز به جایگاه تشکیلاتی او پی ببرد)، تا چه حد بر روی مواضع خود پایبند است و تا چه میزان حاضر به عقب نشینی و احياناً نفی مواضع سازمان خود است.

در این مرحله سوالات برای گروه‌های مختلف فرق می‌کند و طبیعتاً رابطه مستقیمی با مواضع سیاسی - ایدئولوژیک سازمانی دارد که فرد بدان وابسته است. سوالات همچون دور اول به صورت چاپ شده آماده است.

از هواداران و اعضای حزب توده ایران و سازمان ما معمولاً سوالات زیر پرسیده می‌شود:

- ۱- نظراتان درباره مارکسیسم - لنینیسم چیست؟
- ۲- نظراتان را درباره اتحاد شوروی بنویسید.
- ۳- نظراتان را درباره اوضاع افغانستان و لهستان بنویسید.
- ۴- نظراتان راجع به جنگ ایران و عراق چیست؟
- ۵- نظریات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود را بنویسید.
- ۶- نظراتان را در مورد حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بنویسید. در مورد "اعترافات" تلویزیونی

- ۷- اگر زمانی حزب توده موفق می‌شد در ایران کودتا کند، چه آینده‌ای داشتیم؟
- ۸- نظراتان درباره اسلام و مذهب چیست؟
- ۹- نظراتان درباره جمهوری اسلامی چیست؟
- آینده جمهوری اسلامی را چگونه می‌بینید؟
- ۱۰- نظراتان در مورد گروه‌های سیاسی دیگر چیست؟
- آینده آنها را چگونه می‌بینید؟

مرحله سوم بازجویی

مرحله سوم بازجویی معمولاً تک‌نویسی است. اگر بازجو در پرونده زندانی به نام افراد مشخصی برخورد کند و کلاً بداند که زندانی افراد خاصی را می‌شناسد، کوشش می‌کند در مورد آنها اطلاعات به دست آورد. یکی دیگر از هدفهای بازجو از وادار کردن زندانی به تک‌نویسی - بغیر از کسب اطلاعات در مورد افراد و هم‌پرونده‌های شخص - محک زدن فرد تحت بازجویی است تا بداند متهم به او دروغ می‌گوید یا نه. در واقع بازجو از این طریق، هم برای دیگران پرونده می‌سازد و هم پرونده خود فرد تحت بازجویی را از جهت میزان "صدقت" او، ثلثیت او برای مقاومت یا همکاری، و یافتن شاهدهایی برای رودررو قرار دادن، تکمیل می‌کند. طبیعتاً یک زندانی نباید انتظار داشته باشد که بعد از طی دوران شکنجه و بازجویی تنها مرحله "زدان کشیدن" را در پیش رودارد. فرد ممکن است، بارها و بارها به بازجویی فراخوانده شود و هر بار یک دوره شکنجه رانیز از سر بگذراند.

بعضاً بین مراحل مختلف بازجویی وقفه‌های طولانی پیش می‌آید. بعد از بازجویی تا زمان "دادگاه" نیز گاه حتی بیش از یک سال فاصله می‌افتد.

(ادامه دارد)



سوگنامه

برای مرتضی میثمی و دیگر شهیدان راه آزادی

روزی نمی گذرد که جلادان تبهکار رژیم جمهوری اسلامی، گروهی از بهترین فرزندان خلق را به خون نکشند. در شماره قبل خبر داده بودیم که رفقا منصور پورجم و مرتضی میثمی در زیر شکنجه به شهادت رسیده اند. کشتار توده ایها نیز در زندان هم چنان ادامه دارد. در ماههای اخیر "نامه مردم" از شهادت توده ایهای دلیری همچون مرتضی باباخانی، عادل رام، صالح میرافشار، علی شناسایی و غلامحسین قناعتی خبر داد. در نشریه شماره ۱۰ "راه کارگر" نیز خبر شهادت رفقا غلامحسین ابراهیم زاده، عبدالله افسری، بیوک سعیدی، مقصود فتحی، حسین قاضی و نسیرین بقایی درج شده است. نشریه "نبرد خلق" نیز در شماره ۵ خود اعلام داشت که رفیق رضا ستوده در بیست و یکم شهریور ماه تبرپاران گردیده است. چندی قبل نیز رفیق بهمن رادمرخی را در زندانهای گیلان به شهادت رسانده اند. "مجاهد" شماره ۲۰ نیز خبر می دهد که فقط در آذرماه ده نفر از مجاهدین خلق در تهران و شهرستانها اعدام شده اند.

رفقا علی شناسایی، مرتضی باباخانی، غلامحسین ابراهیم زاده، عبدالله افسری، رضا ستوده و بهمن رادمرخی از چهره های سرشناس و پیرسابقه جنبش انقلابی میهنمان بوده اند. در گرامیداشت این شهیدان، یکی از آخرین اشعار شاعر کرانقدر، مانی را منتشر می کنیم.

• اوزاده خواهد شد
• اوزاده خواهد شد
• و دروازه های زنگار بسته
• بسیار را، آغوش می کشاید
• و تنی سفرگان
• صدایی تازه می یابند
• نیرومند و نامیرا
• چندان تا ارکان تاریکی به لیزه درآید
□
• کشته شد
• و من به سخن آمدم
• اینک ای تاریکی فراخ شده بر سرنوشت ما
• این نمندگان زخمه نادانی
• ای زاهدان کمر کشاده به عصمت و شیرگان
• و داع گوئید آسودگی را
• که شمشیرهای ما
• غلاف حوصله را ترک گفته اند

فراز آئید
اینک، نبرد با شاعری سوگوار را فراز آئید
چرا نیفر زم چراغ خشم خویش را درین چارسوق

• هلهله ابلهان
• خطابه مرگ
• و پنج پنجره در سینه اش
• خورشید ما، مرگ را ترانه می شنودنی کرد
• همه اینک که از زمین طلب تازه می یافته ام
• - خوش را -

• و از زمان، نامش را؟
□
• کوبه بر در
• ماموران چهره فرو پوشیده
• وزنی هراسان بر آستان در
• جامه های تهی اش را باز آورده اند
• و پرده هراسیده
• در دلیزهای زمان

• جفتش را جستجو می کند
• و بال، بر پنجره های بسته می ساید
• آیا به راستی جهان از او تهی شد؟
□
• گورکنان
• از گورستان، آسوده خاطر باز آمدند
• جرقه دانائی را در خاک نهاده
• و آسوده خاطر باز آمدند
• گورکنان، تنها مرگ را می فهمند
• و جرقه ها
• آتشفشان را،

□
• ریودند
• بردند
• کشتند آواز خوان ما را
• اینک خوش، سرود تهی دستان
• خوش، ترانه کولی ها، شعر بامدادان
• خوش
• آتشفشان که در زمین شکاف می اندازد
• "مانی" ۶۳/۹/۷ - تهران

شراره خلق در خیمه گاهتان
- ای پلید اندیشان، بپاشید آتش را

□
• هلهله ابلهان
• خطابه مرگ
• و پنج پنجره در سینه اش
• خورشید ما، مرگ را ترانه می شنودنی کرد
• همه اینک که از زمین طلب تازه می یافته ام
• - خوش را -

• و از زمان، نامش را؟
□
• کوبه بر در
• ماموران چهره فرو پوشیده
• وزنی هراسان بر آستان در
• جامه های تهی اش را باز آورده اند
• و پرده هراسیده
• در دلیزهای زمان

• جفتش را جستجو می کند
• و بال، بر پنجره های بسته می ساید
• آیا به راستی جهان از او تهی شد؟
□
• گورکنان
• از گورستان، آسوده خاطر باز آمدند
• جرقه دانائی را در خاک نهاده
• و آسوده خاطر باز آمدند
• گورکنان، تنها مرگ را می فهمند
• و جرقه ها
• آتشفشان را،

□
• ریودند
• بردند
• کشتند آواز خوان ما را
• اینک خوش، سرود تهی دستان
• خوش، ترانه کولی ها، شعر بامدادان
• خوش
• آتشفشان که در زمین شکاف می اندازد
• "مانی" ۶۳/۹/۷ - تهران

□
• کفن تبار
• جسدی شفاف
• درخیمان، تابوت خورشید را بردوش می برند
• بی آنکه خود بدانند
• بی آنکه خود بدانند
• درینا نادانی

• منتظر در پگاه می نگرم
• در نیروز و در شامگاه

• تورهای گسترده
• شاه ماهی شناور
• ریودند
• ریودند آواز خوان ما را

• درین خانه ناپسانان
• ای بسا کارها که به سامان کرد
• در آسودگی جهان
• ای بسا اندوه که نصیب برد
• آواز خلاق را از دهانش می نوشیدید

• در سلطه خفاشان
• آسایش آدمی را میان بسته بود
• در خوشفرمانی تاریکمردان
• لهیب واژه ها و دستها را بر می جست

□
• سبز
• آبی
• فیروزه گون
• به چه رنگ، اندر بودند چشمانش؟

• خطابه زندگان
• بهار خوانی عاشقان
• فریاد نیرومند زمین
• کدامیک را می سرود گلویش؟

• آدمی خواران
• رنگ دیدگانش را تاب نیاوردند
• یا روشنی گفتارش را؟
□

□
• شکنجه گاه
• تندرتازیان
• جلوه وحوش
• خورشید ما، پنجه در گریبان مرگ فرو می برد

• آیا آنان، که از ما گسستند، حقیقت را یافتند؟
• آیا آنانی که خورشید را ترک گفتند، راهی را یافتند؟
• روانه شوکران گوارایتان



اخراج گسترده کارگران آب و برق خوزستان

سازمان آب و برق خوزستان به بهانه کسر بودجه ۲۵۰۰ نفر از کارگران پیمانی را از کار بیکار کرد. این کارگران از سه ماه تا ۶ سال سابقه کار دارند. در پی اعتراض کارگران به آنها قول داده می شود مجدداً به کار فرا خوانده خواهند شد. اما کارگران به اعتراض خود به شکل فردی و یاجمی، با مراجعه مستقیم و یا نامه ادامه می دهند. در همین رابطه ۲۰۰ نفر از کارگران اهوازی برای شکایت به اداره کار شکایت می کنند. اداره کار لیست آنان را برای مدیریت سازمان آب در خوزستان می فرستد آنها نیز طی بخشنامه ای اخراج قطعی این عده را اعلام می دارند. پس از آن ۴۰۰ نفر دیگر از کارگران را نیز اخراج قطعی می نمایند. تعداد کمی به کار بازگشت داده می شوند، بقیه بلا تکلیف باقی می مانند.

نمونه هایی دیگر از اخراج کارگران در شهرستانها

- در واحد تولیدی هجام واقع در قم که برزنت تولید می کند، همه کارگران را اخراج کردند. صاحب کارخانه بجای تولید برزنت، به واردات این محصول از پاکستان اقدام کرده است. اکنون کارخانه تعطیل شده است.
- کارخانه فیلتر تراک قم به همین خاطر تعطیل شده است. یکصد تن از کارگران آنجا را اخراج نمودند.
- در لاستیک پارس ساه چهار کارگر را اخراج کردند. "جرم" آنها این بود که در ساعت کار جای درست کرده بودند!
- در موتوژن تبریز در مرداد ماه دو بیست نفر را اخراج کردند.
- در کبریت سازی ۲۹ بهمن تبریز ۵ نفر به علت تبلیغات علیه رژیم اخراج شدند. یکی از اخراج شدگان نماینده برگزیده کارگران بود.

اخراج و مقاومت

مدتی پیش از طرف وزیر نفت بخشنامه ای دایر بر اخراج "کارگران گسترشی" (کارگران معرفی شده از طرف مرکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی خوزستان به شرکت نفت) صادر می شود. این بخشنامه خشم کارگران مزبور و همچنین همکاران آنان در شرکت نفت را برانگیخت. اعتراض گسترده و مراجعه مستقیم آنان به مسئولین باعث شد که بعد از سه روز بخشنامه پس گرفته شده و کارگران مجدداً دعوت به کار شوند. لازم به ذکر است در طول مدتی که "کارگران گسترشی" بر سر کار حاضر نبودند، همکارانشان در شرکت نفت علیرغم فشار مسئولین، حاضر نشدند روی دستگاههای آنان کار کنند.

فرار سربازان از پادگانها و جبهه ها

سیاست جنون آسای ادامه جنگ توسط رهبران جمهوری اسلامی، موج روزافزون ناراضیاتی بین سربازان و بسیجیها را نیز، به دنبال داشته است. سربازان و همچنین افراد اعزامی توسط سپاه پاسداران بشکل گسترده از سرنوشت شومی که جمهوری اسلامی برای آنان تعیین کرده است - از گوشت دم توپ شدن - می گریزند. این گریز به اشکال مختلف تمارض، خودزنی (تیراندازی به نقاط غیر حساس بدن برای انتقال از جبهه) فرار از جبهه و پادگان رواج گسترده دارد فقط از پادگان جی تهران - ۸۰ تا ۹۰ نفر سرباز فراریند و پادشهرستان صومعه سرا از ۵۰ نفر اعزامی سپاه به جبهه قریب ۴۰ نفر فرار کرده اند. یکی از مشغله های مهم فرماندهان جبهه ها اتخاذ تدابیر جدید جهت مقابله با فرار سربازان و بسیجیها از جبهه است.

بویژه در جنوب و اطراف جزایر مجنون تدابیر بسیار سختی در این زمینه اتخاذ شده است بطور مثال گرفتن مرخصی برای افراد تقریباً غیر ممکن است. اما بازم برخی از سربازان و بسیجیها با تقبل خطرات جانی فراوان، از منطقه و از مهلکه ایجاد شده توسط رژیم، می گریزند.

"خدمت" در سپاه باز و روکتک

آگاهی روزافزون مردم از عملکرد و ماهیت نهادهای حکومتی و ناتوانی رژیم در فریب آنان جهت جذب به سپاه پاسداران و اعزام به جبهه ها، مسئولین امر را واداشته است که از میان مشمولین و سربازان وظیفه گرومی را بعنوان سهمیه سپاه و به اجبار به "خدمت" در سپاه وادارند. از میان حدود پانصد نفر از سربازان وظیفه ای که به ژاندارمری اهواز معرفی شده بودند ۲۰۰ نفر را انتخاب می نمایند. آنان را به عنوان خدمت در نیروی هوایی و به مقصد گجساران بر اتوبوسهایی سوار کرده می برند. پس از ایستادن اتوبوس مشخص می شود که آنجا مقر سپاه است. افراد حاضر نمی شوند از اتوبوس پیاده شوند. نفرات سپاه به آنان حمله کرده و با زور و کتک آنان را از اتوبوس پیاده می کنند. بویژه ده نفر از سربازان وظیفه را بعنوان محرک شدید امضوب می نمایند.

"اگر از خیر زمین نگذرید، روستا را به خاک و خون می کشیم!"

در متن اعلامیه ای از فدائیان خلق در ترکمن صحرا که در شماره گذشته نشریه درج گردید به اقدامات سپاه پاسداران در روستای "بهلکه نفس" اشاره شده بود. اینک جزئیات بیشتری از این اقدامات که در راستای پیشبرد سیاستهای رهبران رژیم دایر بر بازگرداندن بزرگ مالکان به روستاها صورت می پذیرد درج می شود.

روستای ترکمن نشین بهلکه نفس، در نزدیکی علی آباد گرگان قرار دارد. پس از انقلاب، دهقانان زمینهای روستا را که توسط نفوذالی به نام نعمتی به ثبت رسیده بود متصرف شدند. این اقدام آن زمان مورد تأیید دادستانی انقلاب گرگان نیز قرار گرفت. در اطراف روستایک معدن شن و ماسه وجود دارد که با موافقت روستائیان از طرف اداره راه و ترابری

گرگان، جهت جاده سازی، مورد بهره برداری قرار می گرفت. اخیراً سپاه علی آباد معدن را متصرف شده و به فروش شن و ماسه آن (هر کمبریسی ۵۰۰ - ۴۰۰ تومان) می پردازد. این مسئله با اعتراض شدید روستائیان مواجه می شود. سپاه علی آباد اعضای شورا را به مقر سپاه احضار می کند. آنها به جای مراجعه به سپاه دسته جمعی برای شکایت به گرگان می روند. در بازگشت اعضای شورا و روستائیان، سپاه راه را بر آنان می بندد. فرمانده بسیج تهدیدشان می کند و فریاد می زند: "اگر تا دو روز دیگر به سپاه علی آباد نیائید و از خیر زمین نگذرید، همه شان را به زندان می اندازیم، روستا را به خاک و خون می کشیم" و نیز گفته شد: "بهر ترتیب شده زمین را به حاج آقا نعمتی پس خواهیم داد." روستائیان به التیماutom سپاه علی آباد توجهی نکردند و مصممند برای حفظ زمینهایشان به مبارزه خود با نفوذال و حامیانش ادامه دهند.

دستبند بردستهای پینه بسته

چندی پیش دادگاه انقلاب شهرستان بابل، طی حکمی دستور داد از همه کسانی که از سال ۵۸ زمینهای مصادره شده فئودالها را زیر کشت داشتند، خلع ید شود. این دادگاه طی احکام دیگری اعلام داشت که این زمینها متعلق به فئودالهاست و باید به آنان برگردانده شود.

در پی اعتراض و مقاومت کشاورزان، ده تن از نمایندگان آنها را تحت پیگرد قرار دادند و غیایا به زندان محکوم کردند. محکوم شدگان به ناگزیر خانه و روستای خود را ترک گفته و در نقاط دیگر مخفی شدند. کمیته وژاندارمری که در تعقیب آنها بودند، چند هفته قبل توانستند چهار تن از نمایندگان روستائیان را دستگیر و روانه زندان کنند.

ارباباچه قدرتی به هم زده اند!

● ایلخچی روستایی است در اطراف تبریز. بین اهالی این روستا از یک سو ارباب زاده ای به نام فقهی از سوی دیگر از سالها پیش از انقلاب بر سر مالکیت زمینهای این روستا دعوی حقوقی جریان داشته است. بالاخره شخص مزبور با گرفتن ۷-۸ هکتار زمین از چهار نفر از معتمدین روستا ادعای خود را پس می گیرد. پس از انقلاب ۶۸ نفر از مردم روستا به احداث ساختمان در زمینهای مزبور اقدام می کنند. اخیراً فقهی از اشخاصی که اقدام به ساختمان کرده اند شکایت کرده است که چهار نفر آنها زندانی می شوند. تلاش برای آزادی آنان با گذاشتن ضمانت سند مالکیت زمین بی فایده بوده است. شرط آزادی آنان جلب رضایت فقهی اعلام شده است. وی نیز برای دادن رضایت نیم میلیون تومان از هر نفر طلب می کند. روستائیان احتمال می دهند که بزودی بقیه ۶۸ نفر نیز دستگیر شوند.

● زمینهای منطقه اوشیان بین رودسر و رامسر در کیلان پس از انقلاب بین کشاورزان تقسیم شده بود. اینک با خیانت رهبران جمهوری اسلامی به اهداف انقلاب دست اندرکاران رژیم شتابان در صدد رفع سوء تفاهات ایجاد شده و "افراطکاریهای انجام یافته هستند. مامورین رژیم بر اثر شکایت ارباب، کشاورزی را که از زمینهای در تملک خود درختی را قطع کرده بود دستگیر کردند. پس از گذشت هفته ها از آزادی وی خبری نبوده است.

افغانستان نوین، به روایت یک نویسنده مترقی سوئدی

بقیه از صفحه اول
فرمانروایی می‌کردند. شاید برجسته‌ترین ویژگی انقلاب آوریل ۷۸ این بود که ۱۱ میلیون دهقان فقیر افغانی یکشنبه از قید بدهی خود به زمینداران بزرگ رها گشتند. انقلاب شورنمونه‌ای است در مقابل صدها میلیون انسان که هنوز در زیر بوغ روابط عقب مانده فئودالی که در بسیاری کشورهای جهان سوم حاکم است؛ زندگی می‌کنند. این امر باعث به وحشت افتادن فئودالها و سرمایه‌داران بویژه در کشورهای همسایه گشت.

انقلاب افغانستان تقریباً همزمان با انقلاب ایران روی داد. امپریالیسم، شاه ایران را که به مثابه ژاندارم منطقه (باحوزه عملی که تاشاخ افریقا را نیز در بر می‌گرفت) از دست داد. این دو انقلاب شرایط فاجعه‌باری را برای امپریالیسم جهانی بوجود آوردند.

انقلاب افغانستان ثابت کرد که مردم یک جامعه با عقب ماندگی بسیار می‌توانند رنج‌های بردگی را از دست و پای خویش پاره کنند. بر طبق آمار سازمان ملل، افغانستان تا قبل از انقلاب در لیست کشورهای عقب مانده مقام ماقبل آخر را دارا بود. به همین خاطر انقلاب ثور وظایف بسیار سنگینی را در پیش داشت. همه می‌دانیم که دارودسته امین قصد داشت انقلاب را از سیر اصلی منحرف سازد. وی در نظر داشت از افغانستان یک کامبوج زمان پول-پوت بسازد. اکنون زخم‌های وارده از کودتای امین التیام یافته‌اند. هر دو جناح خلق و پرچم در شورای انقلاب همکاری و وحدت عمل دارند. شورای انقلاب نقش ارکان رهبری و هدایت کننده کشور را داراست.

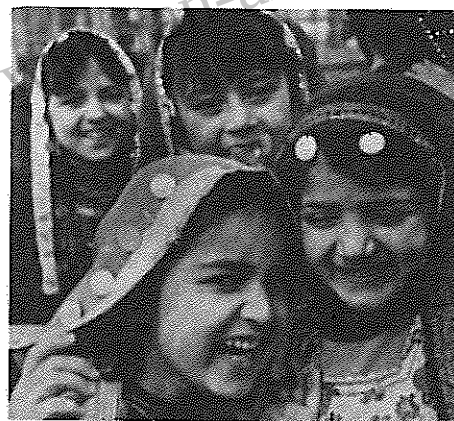
افغانستان از همان فردای پیروزی انقلاب درگیر یک جنگ تعمیلی اعلام نشده از سوی امپریالیستها گشت. این جنگ تا امروز ادامه یافته و همواره از سوی مهاجمین تشدید شده است. با همه این احوال سیر پیشرفت انقلاب برای زمینداران و سرمایه‌داران کشورهای همسایه دردآور است. آنها مشاهده می‌کنند که علیرغم سختی‌های فراوان اصلاحات ارضی به شکل وسیع در کشور صورت گرفته و کشور سیر صنعتی شدن را طی می‌کند. آنها در صدند بهر طریق ممکن مانع پیروزی این تجربه گردند.

برای پی بردن به اهمیت استراتژیکی انقلاب افغانستان می‌توان به سخنان رونالد ریگان وقتی که برای اولین بار به ریاست جمهوری انتخاب گردید اشاره کرد. وی اظهار داشت که: "اژم اکنون دیگر آمریکا در راس "مجامدین" افغانی قرار دارد." برای سران مرتجع منطقه انقلاب ثور یک فاجعه محسوب می‌شود. بطور خلاصه می‌توان گفت که انقلاب افغانستان یک شکست و عقب نشینی دیگر را به استراتژی جهانی امپریالیسم تحویل نمود.

همانطور که می‌دانید مردم افغانستان از خلقهای مختلف تشکیل شده اند که عمده ترین آنها ۷ یا ۸ خلق مختلف با ویژگی‌های مختلف تولیدی و مذهبی هستند. بخش عظیم دیگری از مردم، بالغ بر ۲ الی ۴ میلیون نفر هنوز بصورت چادرنشینی زندگی می‌کنند. اینها همواره در حال کوچیدن هستند و مرتباً به آنسوی مرزهای کشور رفت و آمد می‌کنند و در بسیاری موارد با هم قومان خود در آنسوی مرزها

روابط نزدیکی دارند، در شمال از قریزهای توان نام برد و در جنوب از بلوچها که بغیر از افغانستان در ایران و پاکستان نیز زندگی می‌کنند. در مورد مشخص بلوچ‌ها این رابطه مشکلات فراوانی را برای دولت پاکستان بوجود آورده است زیرا که بلوچ‌های مقیم پاکستان در اثر رابطه باهم ملیتهای خود در افغانستان و مقایسه شرایط زندگی خود با آنان در می‌یابند که امکان واقعی برای بهتر شدن زندگیشان و خارج شدن از ظلمت قرون وسطایی و اقامه وجود است. زنان هر روز نقش بیشتری در پیشرفت انقلاب ثور بازی می‌کنند. آخرین باری که من از افغانستان دیدار کردم. این مسئله را به وضوح در همه زمینه‌ها مشاهده کردم. در این زمینه گفتگوهای نیز با نمایندگان "اتحادیه زنان افغانستان" داشتم. امروز زنان افغانی در کارگاههای تولیدی فعال هستند. در بخش نظامی نیز بسیاری از زنان در گروههای مسلح برای دفاع از انقلاب سازماندهی شده اند. حتی زنان چتر باز نیز تعلیم یافته اند.

در بخش کشاورزی نیز ۱۱ میلیون دهقانی که صحبت آن رفته صاحب زمین هستند و در نوعی تعاونی سازمان می‌یابند. اینها همزمان با اینکه صاحب زمین خود هستند با یکدیگر در بسیاری از موارد بویژه اداره تولید، استفاده از ماشینهای مدرن و آبیاری، همکاری اشتراک عمل دارند. جامعه نوینی در روستاهای افغانی در حال تکوین است.



انقلاب راه آینده را به روی افغانستان کشود.

تا قبل از انقلاب زنان حق تحصیل را دارا نبودند. فقط بخش کوچکی از مردان امکان تحصیل داشتند و این امر نیز به عهده ملاباش‌ها و مکتب خانه‌ها قرار داشت. امروزه اکثریت دختران و پسران در "مدارس روستایی" مشغول تحصیل هستند. در زمینه بهداشت نیز پیشرفت‌های زیادی حاصل گردیده است. سیستم پزشکان روستایی بوجود آمده است و استاندارد بهداشتی این روستاها از سطح قرون وسطایی خارج گردیده است. بویژه به بهداشت زنان و نوزادان توجه خاص مبذول می‌گردد.

در زمینه نظامی و دفاعی نیز همکاری و یگانگی روستائیان در مقابل حملات راهزنان ضد انقلابی نقش ارزنده‌ای ایفا می‌کند. گروههای مسلح دفاعی بوجود آمده‌اند و از ابزار محصولات خود مشترکاً

حفاظت می‌کنند. باید خاطرنشان ساخت که هدف حملات این راهزنان در درجه اول ارتش افغانستان و نیروهای کمکی محدود اتحاد شوروی نمی‌باشند، بلکه مردم غیرنظامی بی‌دفاع در درجه اول آماج این حملات هستند. این نیروها در روستاها جو ترور و وحشت را حاکم می‌کنند و عمدتاً به مدارس روستایی و تاسیسات آبیاری صدمه می‌زنند. آنها جنایات بسیاری را از قبیل قطع کردن دست کودکان خردسال و با یقتل رساندن معلمان روستایی و بویژه زنان معلم از طریق شکنجه، مرتکب می‌شوند. در طیف نیروهای ضد انقلاب بعضی گروه‌های فاشیستی با عناوین اسلامی وجود دارند که از اندیشه‌های عصر حجر الهام می‌گیرند.

در مورد آوارگان افغانی در کشورهای همسایه حرف‌های زیادی گفته می‌شود. باید گفت که قسمت اعظم این آوارگان را چادرنشینانی تشکیل می‌دهند که در مقطع انقلاب جهت کوچ سالانه به آنسوی مرزها رفته بودند و پس از انقلاب باند‌های جنایتکار ضد انقلابی مانع از بازگشت آنان به سرزمین خود گشته‌اند. در نتیجه آواره شدن این مردم بی‌گناه اصلاً ارتباطی با وضعیت داخلی کشور در حال حاضر ندارد. بخش دیگر افرادی هستند که در اواخر دهه ۶۰ و در طی دهه ۷۰ برای امرار معاش به کشورهای همسایه و دیگر کشورهای منطقه و حتی تاشاخ آفریقا مهاجرت نمودند. شمار تقریبی این مهاجرین ۱/۵ میلیون نفر تخمین زده می‌شود. در این صورت اینان پناهندگانی هستند که خیلی پیشتر از انقلاب ثور در اثر فقر و بدبختی از کشور خود گریخته‌اند. این مهاجرین عمدتاً بصورت کارگر مزدبگیر جذب بازار کار کشورهای از قبیل ایران شدند. بسیاری از این کارگران به طریقی موافق انقلاب هستند. بطور کلی می‌توان گفت که مردم افغانستان که در دو سوی مرزهای کشور خود زندگی می‌کنند منافع خود را در گرو پیشرفت انقلاب می‌بینند و انقلاب نیز با وجود سختیهای موجود در حال پیشرفت است و اثرات عظیم خود را بناچار در تمام منطقه برجای می‌گذارد. این خاری است در چشم امپریالیستها و ارتجاع منطقه. آنها از هیچ اقدامی برای اختلال در امر انقلاب خودداری نمی‌کنند.

● س- بنظر شما نتایج چرخش بر است سیاست جمهوری اسلامی و ادامه جنگ خائمانسوز ایران و عراق در منطقه و بویژه برای انقلاب افغانستان چیست؟

ج- همانطور که واقف هستید انقلاب بهمن ۵۷ ایران یک انقلاب عظیم ضد امپریالیستی بود که نوک تیز خود را بد رستی متوجه امریکا ساخته بود. امپریالیسم آمریکا پس از از دست دادن شاه سعی در تقویت ارتجاع پاکستان و اقدام به کودتا در ترکیه نمود. لیکن اکنون حکام جمهوری اسلامی به انقلاب خیانت کرده و رژیم ترور خود را در جامعه حاکم نموده‌اند. برنده اصلی جنگ میان ایران و عراق امپریالیسم و عامل آن در منطقه یعنی صهیونیسم می‌باشند.

خلقه‌ای ایران و عراق خواهان ادامه این جنگ خائمانسوز می‌باشند.

در ضمن کاملاً واضح است که گردش بر است جمهوری اسلامی اثرات ناگواری را در کل منطقه و به همین ترتیب بر روی انقلاب افغانستان بجای می‌گذارد. جمهوری اسلامی نیز همچون پاکستان به خواسته امپریالیسم مبنی بر ضربه زدن به انقلاب افغانستان تمکین می‌کند. ●



رویدادهای جهان

آندره ای گرومیکو: تصور تسلیم شوروی به امیال آمریکایی باطل است

آندره ای گرومیکو وزیر امور خارجه اتحاد شوروی طی یک مصاحبه تلویزیونی اعلام داشت اتحاد شوروی خواستار آنست که مذاکرات قریب الوقوع با ایالات متحده ثمربخش و جدی باشد و هیچیک از طرفین نکوشد با برهم زدن اصل امنیت یکسان طرفین، به برتری دست یابد. او دیدار اخیر خود با شولتز وزیر امور خارجه آمریکا را مثبت ارزیابی کرد. در جریان این دیدار، به ابتکار طرف شوروی، موافقتی درباره مذاکرات جدید با ایالات متحده آمریکا حاصل شد. در این مذاکرات، مسائل جلوگیری از آغاز مسابقه تسلیحاتی در فضا و مسائل تسلیحات هسته ای استراتژیک و سلاحهای هسته ای میان برسد در ارتباط متقابل مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

آندره ای گرومیکو ضمن پاسخگویی به پرسشهای روزنامه نگاران شوروی گفت: "لازم شد که فشار شدید طرف آمریکایی را که تلاش می ورزید از بررسی مسائل فضای کیهان جلوگیری شود تحمل کرد، اما دیدگاهی برتری یافت که سازگار با آن، بررسی مسائل تسلیحات استراتژیک و سلاحهای برد متوسط بدون جلوگیری از استقرار تسلیحات در فضا، نشدنی و غیرممکن است. وزیر امور خارجه شوروی، نقشه آمریکا برای ایجاد دفاع ضد موشکی بزرگ مقیاس در فضا را ریاکارانه نامید. هدف این نقشه، کسب موضع برتری است که به ایالات متحده امکان دهد شرایط خود را به اتحاد شوروی تحمیل نماید. آندره ای گرومیکو اعلام داشت این طرح تجاوزگرانه است و اتحاد شوروی آن را قاطعانه رد می کند. وی گفت: "اگر در واشنگتن کسانی هستند که امیدوارند که اتحاد شوروی مطیع خواهد بود سخت در اشتباهند. ما چنین اجازه ای نخواهیم داد. اتحاد شوروی برای تامین امنیت خود و متحدان خویش از ذخائر مادی و معنوی عظیمی برخوردار است."

وزیر امور خارجه شوروی در مصاحبه تلویزیونی خود، اظهار نمود اگر در امر جلوگیری از نظامی کردن فضا، پیشرفتی حاصل نشود، سخن گفتن از کاهش تسلیحات استراتژیک بی معنایی خواهد بود. وی افزود هنگام بررسی مسئله سلاحهای هسته ای برد متوسط در اروپا، باید وسائل هسته ای انگلستان و فرانسه را که عضو ناتو هستند به حساب آورد. گرومیکو اعلام داشت اگر ایالات متحده به استقرار سلاحهای هسته ای میان برد خود در اروپا ادامه دهد مذاکراتی که برابر توافق ژنو باید آغاز گردد، زیر علامت سوال قرار خواهد گرفت.

بوریس پونوماریف ۸۰ ساله شد

بوریس نیکلایوویچ پونوماریف، کاندیدای دفتر سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی ۸۰ ساله شد. شخصیت پونوماریف با دهها سال مبارزه در راه آرمانهای بزرگ کمونیسم، در راه صلح، دموکراسی و



سوسیالیسم گره خورده است. وی در سال ۱۹۱۹ به عضویت حزب کمونیست در آمد. پس از پایان تحصیل در سال ۱۹۲۶، مدیریت موسسات آموزشی و پژوهشی را به عهده گرفت. پونوماریف از ۱۹۳۷ تا ۱۹۴۲ در کمیته اجرایی کمیته ترن کار می کرد و سپس به ست معاون رئیس انستیتوی مارکسیسم - لنینیسم در

جنب کمیته مرکزی حزب کمونیست - اتحاد شوروی (بلشویک) منصوب شد.

در سال ۱۹۵۲، پونوماریف در کنفره نوزدهم به عنوان کاندیدای عضویت در کمیته مرکزی برگزیده شد و از کنفره بیستم به بعد عضو کمیته مرکزی بوده است. وی در اکتبر ۱۹۶۱ به عنوان دبیر کمیته مرکزی و در ماه مه ۱۹۷۲ به عنوان کاندیدای دفتر سیاسی انتخاب گردید. پونوماریف از مارس ۱۹۵۸ تاکنون عضو شورایی عالی اتحاد شوروی بوده است.

بوریس پونوماریف فعالانه در تدارک بسیاری از کردهائیهای بزرگ جنبش جهانی کمونیستی، از جمله جلسات مشاوره ۱۹۵۷، ۱۹۶۰ و ۱۹۶۹ شرکت جست. وی همواره پیگیرانه در راه تجهیز و اتحاد همه نیروهای صلح دوست جهان برای صلح پایدار، علیه خطر یک جنگ جدید جهانی و مسابقه تسلیحاتی مبارزه کرده است. پونوماریف آثار مهمی درباره تاریخ و تئوری مارکسیسم - لنینیسم، ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی و جنبش جهانی کمونیستی به نگارش در آورده است.

اخباری از افغانستان

* در کابل اعلام شد مبادله بازرگانی خارجی افغانستان علیرغم تلاشهای برخی کشورهای غربی به منظور محاصره اقتصادی افغانستان، دایما افزایش می یابد. به ویژه روابط بازرگانی و اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی و پیش از همه با اتحاد شوروی که شریک عمده بازرگانی این کشور است، در حال پیشرفت است.

* به گزارش روزنامه انیس چاپ کابل طی ۶ سال انجام اصلاحات ارضی - آبی در افغانستان، مساحت زمین زیر کشت هر سال ۱۱ درصد افزایش یافته است. بیش از ۲۰۰ هزار خانواده زمینس در یافت کرده اند. دولت افغانستان برای تامین پیشرفت کشاورزی، قیمت ابزار و آلات و ماشینهای کشاورزی را ۲۰ الی ۴۰ درصد کاهش و در عین حال، قیمت فرآورده های کشاورزی را به حد زیادی افزایش داد. از هنگام پیروزی انقلاب تاکنون، دولت به دهقانان ۱۷۵ میلیون دلار وام داده است.

* به گزارش روزنامه آمریکایی واشنگتن پست، حمایت سرویس جاسوسی آمریکا، "سیا"، از ضد انقلابیون افغانی به "بزرگترین عملیات پنهانی آمریکا از دوران جنگ ویتنام به بعد" تبدیل شده است. بودجه ای که دولت واشنگتن به پشتیبانی از عملیات ضد افغانی اختصاص داده است، در عرض مدت کوتاهی صد برابر شده و در سال جاری مالی به ۲۸۰ میلیون دلار رسیده است. آمریکا به اشرار اسلحه و مهمات و مواد غذایی می دهد.

مبارزه مردم لبنان، اسرائیل را وادار به عقب نشینی محدود کرد

با گذشت بیش از دو سال از آغاز مبارزه مسلحانه مردم جنوب لبنان علیه اشغالگران اسرائیلی، صهیونیستها ناچار شدند به عقب نشینی دیگری تن دهند. در روز چهاردهم ژانویه، دولت اسرائیل تصمیم گرفت در سه مرحله در طول پنج هفته، نیروهای خود را از مواضع آن در امتداد رود اولی و حوالی شهر صیدا به ساحل شمالی رود لیتانی عقب بکشد. اما در عین حال، رابین وزیر جنگ اسرائیل گفت "ارتش اسرائیل پس از این عقب نشینی نیز "هر زمان که لازم بدانیم واحدهایی را بدون تامل به لبنان خواهد فرستاد تا پایگاههای ضد اسرائیلی را نابود کند." شیمون پرن نخست وزیر و اسحق رابین همچنین اعلام داشتند اسرائیل مناقض همجوار اسرائیل در جنوب لبنان را کماکان بعنوان "منطقه امنیتی" خود قلمداد کرده که در آن تنها واحدهای شبه نظامی آشتوان لحد مزدور اسرائیل باید حضور داشته باشند.

بدنبال اعلام تصمیم دولت اسرائیل در این مورد، حزب کمونیست این کشور اعلام داشت این تصمیم همراه با تاکید مجدد بر به اصطلاح "حق" مداخله نظامی در لبنان، به معنای پایان جنگ تجاوزکارانه اسرائیل علیه لبنان و کشتار لبنانی ها، فلسطینی ها، و اسرائیلی ها در این خونریزی نیست. سخنگوی حزب کمونیست اسرائیل افزود تصمیم دولت عملا نواری به عرض ۴۰ کیلومتر از خاک لبنان را همچنان تحت کنترل ارتش اسرائیل یا عمدستان آن قرار داده است. اما عقب نشینی محدود اسرائیل نشانگر آنست که کل ماجراجویی نظامی در لبنان به هیچیک از اهداف طراحان آمریکایی و اسرائیلی آن نرسیده است، چرا که مقاومت سرسختانه مردم لبنان از یک سو و عواقب فاجعه آمیز جنگ لبنان در داخل اسرائیل از سوی دیگر، دولت اسرائیل را وادار به قبول ضمنی شکست خود نموده است. در ادامه بیانیه حزب کمونیست اسرائیل آمده است اقدام دولت به هیچ وجه کافی نیست، بلکه آنچه ضرورت مبرم داد، عقب نشینی کامل و بدون قید و شرط از کل لبنان است.

از سوی دیگر روز دوازدهم ژانویه، در لبنان واحدهای نظامی دولتی کنترل خود را بر راه شوشه ساحلی که از بیروت به سوی نواحی جنوب این کشور می گذرد، برقرار کردند. این واحدها در ساحل شمالی رود اولی موضع گرفتند. در ساحل مقابل این رود، نیروهای اشغالگر اسرائیلی مستقرند. این کام، در چارچوب برنامه عادی کردن اوضاع کشور و دفع تجاوز اسرائیل برداشته شده است. قرار است جاده مزبور از مین ها پاکسازی و استحکامات نیروهای شبه نظامی در طول آن، برچیده شود.



نیروهای لبنانی حین برچیدن استحکامات نظامی جاده بیروت - جنوب

در این مقاله به بررسی مسائل مربوط به لبنان پرداخته شد.

بیانیه های دیگری در پشتیبانی از کارگران ذوب آهن اصفهان

در سه شماره گذشته نشریه، تعداد کثیری اطلاعاتیه پشتیبانی از سوی تشکلهای کارگری و نیروهای پیشرو کشورهای مختلف در پشتیبانی از اعتصاب کارگران ذوب آهن اصفهان درج شد. این هفته نیز چند بیانیه دیگر دریافت شد که به آنها اشاره می کنیم:

* از سوی سازمان کارگران پاکستان (پ.ا.ا) در تاریخ اول ژانویه یک بیانیه مطبوعاتی در حمایت از کارگران اعتصابی ذوب آهن اصفهان به امضای آقای اس-پی لودهی صدر این سازمان، انتشار یافت. در این بیانیه رژیم جمهوری اسلامی بخاطر سرکوب نیروهای سیاسی مخالف، اقدامات غیرعادلانه اقتصادی علیه زحمتکشان و اتخاذ سیاستهای ضدکارگری به شدت محکوم شده است.

* بیانیه زیر در تاریخ ۸ ژانویه از سوی سندیکای کارگران چوب و پلاستیک آلمان فدرال خطاب به کارگران ذوب آهن اصفهان، انتشار یافته است:

دوستان عزیز!

کمیته رهبری تشکیلات سندیکای چوب و پلاستیک به همراه تمامی فعالین افتخاری سازمان ما، همبستگی خود را با مبارزات شما کارگران ذوب آهن، اعلام می کنند.

ما به همراه شما خواستار آنیم که:

- تمام کارگران دستگیر شده ذوب آهن اصفهان، به فوریت آزاد شوند

- خواسته های عادلانه شما برای احقاق حقوق انسانیتان برآورده شود

- شرایط کار و زندگی کارگران ذوب آهن بهبود یابد.

زنده باد همبستگی بین المللی طبقه کارگر!

با درودهای رفیقانه

ورنر ریس - مسئول تشکیلات

* شکل دانشجویی (اس-های) ، کافی، و اتحادیه صلح آلمان در برمن نیز متن فراخوانی را که در شماره ۲۹ "اکثریت" چاپ شد، امضا کردند.

پیام های تبریک به کمیته مرکزی سازمان، به مناسبت برگزاری پیروزمندانه پلنوم

ما را به نابودی می کشاند، جان هزاران تن از بهترین فرزندان مردم را قربانی مطامع دیوانه وار جهالتشایی خود ساخته اند، در شرایطی که رژیم با سیاستهای ارتجاعی ضدفرهنگی و ضدعلمی خود عرصه را بر اندیشمندان و روشنفکران ماننگ کرده است، در یک چنین شرایطی، توده های مردم و بویژه طبقه کارگر قهرمان ما با تشدید حرکات اعتراضی و اعتصابی خود عزم راسخ خویش را برای مبارزه ای پیکر در راه دستیابی به آن اهدافی که بخاطرش انقلابی عظیم را به پیروزی رساندند، نشان داده اند.

رفقای عزیز!

اکنون که هزاران تن از بهترین فرزندان خلق، اعضا و هواداران سازمانهای انقلابی، از جمله تعداد زیادی از اعضا و کادرهای سازمان ما، در شرایطی وحشیانه و قرون وسطایی در زندانهای جمهوری اسلامی شکنجه و اعدام می شوند، و رژیم بویژه پس از یورش ناجوانمردانه به حزب توده ایران گمان می کرد که تمام سازمانهای انقلابی را درهم شکسته و اکنون با دست باز می تواند مواضع از دست رفته کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و امپریالیستهای حامی شان را در میهن احیا نماید، در چنین شرایطی ما هم عمیقاً اعتقاد داریم که "برگزاری پلنوم نشان بارز قدرت ما و ضعف و زبونی دشمنان ما در رسیدن به اهداف ضد خلقی و ارتجاعی شان است."

رفقا!

ما فداییان خلق ایران اکثریت، ایمان داریم که با کاربست خلاقانه مصوبات پلنوم و اجرای رهنمودهای آن، همچنان که در طول ۱۴ سال گذشته انجام دادیم با تمام نیرو در کنار مردم و همراه با آنها در جهت زدودن این ابرهای سیاهی که آسمان وطن را فرا گرفته و تحقّق شعار مردمی استقلال آزادی و عدالت اجتماعی خواهیم رزمید و ایمان داریم که پیروزی از آن ماست.

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
کمیته ایالتی خراسان، آذرماه ۶۳

در ادامه انتشار پیام های شادباش به کمیته مرکزی سازمان به مناسبت برگزاری موفقیت آمیز پلنوم، در این هفته پیام کمیته ایالتی خراسان را درج می کنیم.

پیام تبریک کمیته ایالتی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - خراسان

رفقای ارجمند کمیته مرکزی!

درودهای گرم و رفیقانه و شادجاشای بی پایان ما را به مناسبت برگزاری موفقیت آمیز پلنوم همراه بپذیرید. همانگونه که در گزارش هیئت سیاسی کمیته مرکزی به پلنوم خاطر نشان شده مامم اعتقاد داریم که "تشکیل پلنوم کمیته مرکزی سازمان ما که با حضور اکثریت قاطع اعضا و مشاورین کمیته مرکزی و تمامی اعضای هیئت سیاسی و هیئت دبیران کمیته مرکزی حاضر در پلنوم ۲۷ خرداد ۱۳۶۱ گشایش یافت، خود فی النفس نشانه آن است که علیرغم سیهاکاریهای رژیم و سرمداران خائن آن، جنبش انقلابی طبقه کارگر و همه خلقهای ایران توانمند است و رو به گسترش می رود."

رفقای عزیز!

امروز در شرایطی که سرمداران مرتجع جمهوری اسلامی با خیانت به اهداف مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب شکومند بهمن ۵۷، راه حمایت از منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و راه احیا و بازسازی مواضع امپریالیسم جهانخواه را در میهن عزیز ما در پیش گرفته اند، در شرایطی که رژیم با دمنشی فراوان هر گونه خواستهای برحق و طبیعی مردم ما را نادیده گرفته و هر صدای اعتراض کارگران، دهقانان و زحمتکشان به اوضاع ناپهناج کنونی را به وحشیانه ترین وجهی سرکوب می کند، در شرایطی که عمال رژیم با اعمال سیهاکارانه خود زندگی را از جهات مختلف بر توده های زنان و انبوه جوانان و روشنفکران مالتخ کرده اند، در شرایطی که رهبران جمهوری اسلامی با هر چه بیشتر دامن زدن به تنور جنگ خانمانسوزی که استقلال اقتصادی و سیاسی

پشتیبانی از زندانیان سیاسی ایران در پاکستان

نایب صدر مرکزی کمیته دهقانان ایالت سند - دبیر کانون وکلای خیرپور - صدر فدراسیون دانشجویان دمکرات ایالت سند - دبیر کل فدراسیون دانشجویان دمکرات، واحد خیرپور - دبیر کانون وکلای دمکرات خیرپور - صدر سازمان دانشجویان بلوچ، ایالت بلوچستان - صدر سازمان جنبش دانشجویان سند - صدر فدراسیون دانشجویان وابسته به حزب مردم در ایالت سند - مستی خان عضو کمیته مرکزی حزب ملی پاکستان و...

رفقای ما در پاکستان با انتشار رئوس برنامه سازمان برای دفاع از زندانیان سیاسی ایران به زبان اردو، نیروهای مترقی این کشور را به پشتیبانی از زندانیان سیاسی میهن ما و افشای بیشتر جنایات رژیم جمهوری اسلامی در میان مردم کشور همسایه فرا خواندند. این فراخوان با استقبال چشمگیر آزادیخواهان این کشور مواجه گردید.

عده کثیری زیرمتن پشتیبانی از زندانیان سیاسی ایران را امضا کرده اند. از آن جمله اند: فیض غنی، صدر کمیته دهقانان ایالت سند -

هزینه جاب این شماره "اکثریت" را

رفقا بمانند انا و ترانه (از امریکا)

تأمین کردند

AKSARIYAT
NO. 41
MONDAY JAN 21, 85
Address: آدرس:
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

علیه امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران و جهان، متحد شویم!